

اکثريت

دوشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۶۹ برابر ۳۳۳۳
۲۲ اکتبر ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره ۱۰

نتایج انتخابات مجلس خبرگان اعلام شد

گزارش تعداد شرکت کنندگان در انتخابات مجلس خبرگان که از سوی خامنه‌ای "واجب شرعی" اعلام شده بود، حدود ۴۶ درصد مجموعه افراد واجد شرایط بوده است. باید توجه داشت که ارقام منتشره از سوی رژیم بسیار بیشتر از تعداد واقعی آرای ریخته شده به صندوق هاست و اکثریت بزرگی بقیه در صحنه ۳

هفته گذشته آمارهای رسمی مربوط به انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان منتشر شد. بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی آرای ریخته شده در صندوق‌های انتخاباتی بیش از ۱۱ میلیون رای بوده است. در تهران ماشینی، رفسنجانی، احمد خمینی، مشکینی، و امامی‌کاشانی بیشترین رای‌ها را به خود اختصاص دادند. بر پایه این

پیرامون سفر بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر به ایران دروغ‌گویی تا کجا؟

این سفر نشده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی خبر بازدید گالیندوپل از زندان اوین را طی چند سطر کوتاه منتشر نمود و ادعا کرد که بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر در ملاقات با شیخ محمد یزدی احکام صادره دادگاه‌های اسلامی را "خوب، به جا و عادلانه" توصیف نموده و گفته است که چند تن از زندانیان در ملاقات با او به جاسوسی برای کشورهای بیگانه اعتراف کرده‌اند.

همانگونه که انتظار می‌رفت، جمهوری اسلامی سفر آتای گالیندوپل بازرس مخصوص کمیسیون حقوق بشر به ایران را با سردی و بی‌اهتمالی استقبال کرد. گالیندوپل روز ۸ اکتبر به ایران رفت و در روز ۱۵ اکتبر با شیخ محمد یزدی رئیس قوه قضائیه و علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه بطور جداگانه دیدار نمود. بنابه گزارش رادیوی دولتی ایران، گالیندوپل ضمن ملاقات با ولایتی "نتیجه فعالیت‌های هیئت" را به وی ارائه نمود. در این گزارش اشاره‌ای به نتایج

شیخ محمد یزدی در پاسخ به بقیه در صحنه ۳

بحران منطقه در مسیر یافتن پایانی صلح آمیز؟

رئیس جمهور لبنان اعلام کرده بود، توانست با پشتیبانی غرب دو سال در برابر دولت لبنان دوام آورد. از سر باز زدن انصراف ناگهانی غرب از ادامه حمایت میشل عون که به تسلیم وی انجامید، این ظن را قوت بخشیده است که غرب برنامه خزانده‌ای را در جهت تحقق برخی از خواسته‌های صدام حسین در پیش گرفته است. صدام حسین پس از اشغال کویت شرط واپس نشینی خود را حل تمامی مناقشات منطقه و از جمله خروج همه نیروهای درگیر در لبنان اعلام کرد. گرچه شکست میشل عون با اعمال فشار نظامی نیروهای سوریه مستقر در لبنان شتاب بیشتری گرفت و هم اکنون نیز دولت لبنان در جهت بسط حاکمیت خویش در سراسر لبنان بیش از همه به نیروهای سوریه متکی است، اما بعید نمی‌نماید که نیروهای سوریه نیز با احیای قدرت دولت هراوی به پشت مرزها برگردند. اگر غرب اسرائیل را نیز وادار دگر تیروهای خویش را از جنوب لبنان واپس کشد، عملاً بخشی از خواسته‌های صدام حسین تامین شده است.

به دولت قانونی لبنان رو به پایان است و اگر گروه‌ها و دستجات مسلح لبنان نیز به خواست دولت الیاس هراوی گردن نهند، استقرار صلح در لبنان جنبه‌های واقعی تری می‌یابد. میشل عون که سال گذشته بطور غیرقانونی خود را

یافتن راه حل صلح آمیزی را برای بحران منطقه قوت بخشیده است. رویدادهای اخیر لبنان نیز در همین راستا تاثیر نهاده است. جنگ ۱۵ ساله‌ای که لبنان را به آستانه ویرانی کشانده است با تسلیم بی‌قید و شرط میشل عون

مخالفت همومی در قریب سبت به حضور نیروهای فربیی در منطقه خلیج فارس هر روز شتاب زاینده تری می‌یابد. این عامل و اره‌ای از عوامل دیگر رهمفته‌های اخیر امکان بروز ننگ را کاهش داده و احتمال



گروگانهای آلمانی پس از رهائی از جنگ رژیم صدام از رفتار از دیپلماسی بن در مقابل بغداد انتقاد میکنند.

کویت دولت کاملی در تبعید

یکی از دو فرستنده رادیویی کویت در همانجا کار میکنند. فرستنده دیگر برنامه‌های خود را از قاهره پخش میکند. سه روزنامه این امیر نشین نیز در خارج کویت نیز با پانزده هواپیمای مسافربری در لندن، جدّه و قاهره مستقر شده است. ۲۱ هواپیمای دیگر بدست عراق افتاد. پس از طایف، لندن دومین پایتخت "حکومت در تبعید است". دفتر سرمایه‌گذاری کویت در ساختمان‌های در مرکز لندن گنج خانوادگی آل - صباح را اداره میکند. این دفتر بلافاصله پس از دوم اوت همه نقدینگی کشور در عربستان سعودی را به لندن منتقل کرد و در عرض یک ماه در امور مالی نظم و ترتیب برقرار ساخت. به این ترتیب دفتر مزبور به مرکز امور مالی تبدیل گردید. از اول سپتامبر فعالیت‌های دولت در تبعید به وسیله این دفتر تامین میشود. سفارتخانه‌ها و مقامات دولتی دوباره حقوق در یافت کرده و در تمام جهان فعالیت خود را آغاز نمودند.

کویت در آغاز سالهای ۸۰ یک استراتژی سرمایه‌گذاری جهانی را تدارک دید. "دفتر سرمایه‌گذاری کویت" ۱۰ درصد کمپانی بریتیش پترولیوم، بزرگترین کمپانی نفتی انگلستان، ۱۰ درصد بانک میدلاند، ۲۱ درصد شرکت بیمه دوی وارن در انگلستان ۴۰ درصد شرکت دایملر بنزو ۲۰ درصد شرکت هوجست در آلمان را اداره میکند. به علاوه کویت از اواسط سالهای ۸۰ بقیه در صحنه ۳

کویت آرزوی دوم اوت اشغال شده است. اما حاکمان سابق این شور تلاش میکنند با سرمایه‌ها، تباطات، اجزای اداری و ارتش و چک خود زندگی این دولت برونشین را ادامه دهند. کویتیماس از ورود ارتش عراق به کشور ر مدت کوتاهی در خارج مجدداً تشکل شدند. البته بدون تلمرو و خائن نفتی خود، که بیش از ۱۴۰ ال برآورد میشود. با این وجود شیوخ کویت از روتجاری هنگفتی برخوردارند. انواده جابر الاحمد، جابر

سفارتخانه‌های ایران و عراق بازگشایی شد

به دنبال سفر بسام الزهاوی معاون امور بین‌المللی وزارت خارجه عراق به تهران، رژیم‌های ایران و عراق روابط سیاسی خود را از سر گرفتند و سفارتخانه‌های خود در تهران و بغداد را بازگشایی کردند. الزهاوی بمنظور یک دیدار رسمی ۴ روزه، از ۱۸ مهرماه وارد تهران شد. وی در جریان سفر خود با علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و منوچهر متکی معاون بین‌المللی وزارت امور خارجه چند بار دیدار کرد. در پایان این سفر بیانیه مشترکی از جانب دو رژیم منتشر گردید و توافق در جهت بازگشایی سفارتخانه‌ها اعلام گردید. روز یکشنبه ۲۲ مهرماه کادار سفارت عراق، همراه با کارکنان این سفارتخانه وارد تهران شدند. جواد ترک‌آبادی سفیر پیشین ایران در کویت نیز بعنوان کاردار سفارت ایران در بغداد معرفی شد. اعضای سفارت ایران اواخر

هفته گذشته به بغداد رفتند. سفارتخانه‌های دو کشور ۷ سال پس از شروع جنگ و کمی پیش از آتش‌بس تعطیل شده بود. مقامات ایران و عراق در جریان سفر معاون امور بین‌المللی وزارت خارجه عراق به تهران، پیرامون علامت‌گذاری مرزها و آقاژ مجددمبادله اسرانی نیز به توافق‌هایی دست یافتند. قرار است مبادله اسرا که از یک ماه پیش متوقف شده بود، به زودی از سر گرفته شود. مقامات دورژیم توافق کرده‌اند آن بخش از اسرا که بدلیل قانون شکنی در زندانهای دو کشور بسر می‌برند، نیز مبادله شوند. مطابق اطلاعات منتشره تاکنون حدود ۷۰ هزار اسیر بین دو کشور مبادله شده است.

رادیوی دولتی ایران در تفسیری پیرامون از سرگیری مناسبات سیاسی ایران و عراق گفت: برقراری روابط سیاسی بقیه در صحنه ۳

جایزه صلح نوبل برای گارباچف

جعانی نوین مساعدت نماید. علاوه بر گارباچف، نلسون ماندلا و واسلاو هاول نیز برای دریافت جایزه مزبور کاندیدا بودند. بقیه در صحنه ۲

گارباچف نقش راهبر را در فرایند صلح ایفا نموده است. وی با اشاره به اوضاع داخلی اتحاد جماهیر شوروی گفت: ما امیدواریم که اعطای این جایزه امکانات عملی و را تقویت کند و به ایجاد یک نظم

میخاییل گارباچف، رئیس جمهور شوروی، امسال جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. گیز که آندرسن، رئیس نروژی کمیته نوبل در توضیح اعطای جایزه صلح به گارباچف تاکید کرد که



در این شماره

- ۲ در صحنه ۲ **اکتاویویان شیفته دموکراسی**
- ۲ در صحنه ۲ **برندگان جوایز نوبل**
- ۵ در صحنه ۵ **گنگره فردوسی و ملت ما**
- ۷ در صحنه ۷ **لئونارد برنستاین در گذشت**
- ۴ در صحنه ۴ **ورزش در بند مکتب**
- ۴ در صحنه ۴ **از روی داده‌های ایران**

اكتاويوپاز شيفته دمكراسى

جايزه ادبى نوبل امسال توسط آكادمى سوئد به اكتاويوپاز OCTVIO PAZ شاعر و نويسنده ممتد و شش ساله مكزيكى تعلق گرفت. نام او سالها در ليست كانديداهى جايزه نوبل بود. از اين رو انتخاب او براى احراز اين مقام در ميان محافل ادبى جهان غيرمنتظره نبود. وي چند سال پيش نيز جايزه "سروانتس" را از آن خود کرده بود. اکتاويوپاز در ادبیات جهان چهره‌ای آشناست.

اكتاويوپاز تعلق سياسى - حزبى خاصى ندارد؛ و به گفته خودش از همين روست كه گاه از "چپ" و گاه از "راست" مورد حمله قرار مى‌گيرد. در آغاز همچون بسيارى ديگر از اسان دوستوستان و عاشقان دمكراسى، چاره مشكلات را در انقلاب سوسياليستى مى‌جست، اما در دهه ۳۰ نظير بزرگان ديگرى چون آندره ژيد، سيلونه و ... به بطلان اين تفكر رسيد؛ چرا كه به گمان او انقلاب ۱۹۱۷ نتوانست آزادى و برابرى را برقرار رفاهى را كه وعده داده بود متحقق كند. نتي گذشته، براى اكتاويوپاز، به معنای دست شستن از ازيده‌هاى آزادى خواهانه و انسان دوستانه نبود. از اين روست كه تمامى كارها و آثار او تا به امروز بازگو كننده تعلق ذهنى اش به اين آمل‌ها و ارزش‌هاست.

اكتاويوپاز كه بيش از ۲۵ سال از عمر خود را به عنوان ديپلمات (و در عين حال شاعر) كار کرده بود، در سال ۱۹۶۸ هنگامى كه سفير دولت مكزيك در دهلى نو بود، به عنوان اعتراض به كشتار دانشجويان توسط پليس مكزيك، از مقام خود استعفا كرد و اعلام داشت:

من نمى‌توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى‌كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازي‌هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده‌ترين اشعار پاز،

شعرى است كه متأثر از اين واقعه سروده است.

تفكر سياسى اكتاويوپاز امتزاجى از سنت‌هاى ليبرالى و سوسياليستى است. او حرکت فرداى تاريخ را در جهت نزديكى اين دو مى‌بيند. او مى‌گويد: "انتقاد اخلاقى ماركس و آثار شيشتا از كاپيتاليسم هنوز تا حدود زيادى به قوت خود باقى است. به همانگونه، انتقاد ليبرال‌ها از حكومت خودكامه و يا "سوسياليسم دولتى" و يا به گفته انگلس "سوسياليسم كارتل" نيز حقيقت خود را از دست نداده است. نيز بر همين قياص، انتقاد مذاهب از دنياى جديد هنوز اعتبار دارد. اما پايه‌هاى ايدئولوژى‌هاى سياسى كه بشر قرن بيستم را به حرکت واداشت - سوسياليسم، ليبراليسم و غيره - پس از جنگ جهانى دوم به پيرشش و نقد كشيده شده است ..."

او كه شيفته دمكراسى است، با تاكيد بر آن، سخنان خود را چنين ادامه مى‌دهد: "ميدوارم زمانى فرارسد كه شكل جديدى از تفكر سياسى پديد آيد و سنت‌هاى ليبرالى و سوسياليستى را با هم آشتى دهد."

مشخصه شخصيت و آثار اكتاويوپاز به آنچه در بالا بدان اشاره شد خلاصه نمى‌شود. زبان و پيشينه زندگى، دو عنصر ديگر از مجموعه ويژگى‌هاى اوست. برخى او را سورئاليست ارزيابى مى‌كنند، اما بسيارى نيز با تقسيم‌بندى اين چينى هنرمندانى نظير او به شدت مخالفند.

اكتاويوپاز مكزيكى‌اى است كه از يك سو رگه سرخپوستى دارد و از سوى ديگر اروپائى است. اين امتزاج نژادى نه تنها بيولوژيك، كه جاي پاى خود را بر آثار ادبى او نيز گذاشته است. اشعار و مقالات او در عين آن كه نمايانگر مليت اوست، ريشه در باروك (۱)، رمانتيسيسم (۲) و سمبليسم (۳) اروپايى نيز دارد. او مدت زيادى از عمر خود را

در هند و ژاپن گذرانده است و از نزديك با فرهنگ و سنن مردم شرق در تماس بوده است. با اسلام و بودائيسم بلاواسطه آشنا شده است و بى‌شك از آن‌ها، بويژه بودائيسم، تاثير پذيرفته است (به گفته او آنچه كه بودائيسم را چنين زيبا مى‌كند "اينست كه حكيمان آن همواره لبخندى حاكى از طنز و بخشش بر لب دارند. لبخند حكيمان بودايى بايد كه به سياست نيز راه يابد." از اين روست كه او را "زائر تمدن‌ها"، "فرزند مكزيك"، "پسر نائتى اسپانيا"، "فرزند خوانده فرانسه"، "فرزند نامشروع امريكا" و "مهمان از خود گذشته و فداكار هند و ژاپن" مى‌خوانند. هم بدین جهت است كه بسيارى او را يك شاعر و نويسنده بين‌المللى مى‌دانند. تا مكزيك - چرا كه آثارش جز فرهنگ و سنن شرق نيز هست، و اين تاثير نه فقط زبان، بلكه مضمون آثار او را نيز در بر مى‌گيرد.

از او چندین مجموعه شعر با نام‌هاى "در ساحل دنيا"، "ان فصل خشونت‌آميز"، "تشنه مهر روزه"، "در اروپا و امريكا" به چاپ رسیده است. آثار او به مجموعه اشعارش محدود نمى‌شود. از او مقالات گوناگون کوتاه و بلندی در زمينه ادبیات، فيلم، هنر، فلسفه و مردم‌شناسی نيز انتشار یافته است. تنها اثر نمايشى او "بئاتريس، دختر را پاچينى" نام دارد.

ا. باروك: سبك و مكتب هنرى كه در آن از اجزاى زينتى و پريچ و تاب و پيچيده بسيار به كار گرفته مى‌شود. اين سبك در ادبيات از عبارات و الفاظ پيچيده و در عين حال زيبا استفاده مى‌كند. بارزترين نشانه اين سبك در هنر معماری است كه در آن از اجزاى تزئينى و كاملا پيچيده استفاده بسيار شده است. اوج رواج اين مكتب از ابتدای قرن ۱۷ تا اواسط

قرن ۱۸ ميلادى بوده است.

۲- رمانتيسيسم (رمانتيسم): مكتبى ادبى است كه گروهى از نويسندگان و شاعران قرن ۱۹ ميلادى به وجود آورده‌اند. اين مكتب در كشورهاي مختلف معانى گوناگون يافت، مثلا در فرانسه عكس‌العمل شديد در برابر كلاسيك‌ملى بود اما در انگلستان و آلمان - كه نويسندگان آنها پيرو ادبيات وسيع فرانسه بودند - رمانتيك به زمانى اطلاق مى‌شود كه آنها توانستند از زير نفوذ ادبيات فرانسه به درآيند. در فرانسه، در نيمه اول قرن ۱۹ ادبيات از جنبه اشرافى خارج گرديد و از تاثير ادبيات قديم رهايى يافت. ادبيات اين عصر

متمايل به نمايش حقيقت خارجى مسايل گرديد، و صفات مخصوص اين نوع ادبيات كثرت شاهكارهاي ادبى و ظهور دو نوع ادبيات جديد در فرانسه است؛ يكى تئاتر مختلط از كمدي و درام و ديگر منظومه‌هاى شخصى و تكميل تاريخ نگارى و رمان نويسى... خصوصيت اصلى رمانتيسيسم عبارتست از برترى احساس و تخيل بر استدلال و تعقل. (برگرفته از فرهنگ معين)

۳- سمبوليسم: شيوه‌اى است كه حدود سال ۱۸۸۰ ميلادى در ادبيات پيدا شد. شاعران سمبوليست معتقد بودند كه شعر

بايد از راه آهنگ كلمات، حالا روحى و احساسات را كه امك بيان مستقيم آنها نيست به خواننده يا شنونده القا كند. شير سمبوليسم همواره به اين سه، كلى كه عبارت است از: ۱- آهنگ و رمز بيان، ۲- هيجان، استقلال، توجه دارد. گروهى آن اثرى از هر نان پيشين شرو قرب مى‌بينند و عده‌اى آن را راه، براى پديد آوردن زباني تازه شعر مى‌شمارند و گروهى وسيله‌اى براى بيان مفا مى‌دانند، چنانكه امك سمبوليست‌ها از اينكه مى‌توانند موسيقى رقابت كنند افتخار مى‌كنند. (فرهنگ معين)

س- ايران نژاد

تشكيل "فرهنگستان زبان و ادب فارسى"

اصطلاحات علمى "تاسيس كرن استادانى چون رضازاده شغز محمود حسابى، حسين گل گلاب محمدباقر هوشيار انجمن مذكور را كه در واقع يك فرهنگستا علمى بود سرپرستى مى‌كردند. در سال ۱۳۱۴ در زما نخست وزيرى محمد ها فروقى، نخستين "فرهنگستا ايران" تاسيس شد. حس اسفنديارى، ملك الشعراى بها هلى اكبر دهخدا، رضازاده شغز كاظم هصار، فروزانفر، محمدها فروقى، حسين گل گلاب، سع نفيسى، قلامحسين رهنه عبدالعظيم تريب و... چهره‌هاى سرشناس نخستين فرهنگستان ايران بودند.

نخستين فرهنگستان ايران موفقيت‌هاى خود را مديون اعتبار علمى و ادبى كسانى است؛ باتلاش مستمر خود در اين ا، مهم فرهنگى شركت کرده بودند

اگر "اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی" کنونی را با اعضا نخستین فرهنگستان ایرا مقایسه کنیم، تفاوت کیفی آشکاری به چشم می‌خورد؛ تازمانی که همه اعضای فرهنگستان برگزیده نشده‌ا نمی‌توان اظهار نظر دقیقی نس به آن داشت. اما تا کید بر این نک ضروری است: سیاست‌هاى مانده و انحصار طلبانه جمهور اسلامى بسيارى از دانشمندان ادیبان و مترمندان را از هر فعاليتهاى دولتى كنار گذاشت. بسيارى از ايمان كشورهاي خارج زندگى مى‌كنند آنها نيز كه در ايرانند هملا كار گرفته نمى‌شوند. تازمانى اين شرايط حكومتماس همواره بيم آن مى‌رود فرهنگستان زبان و ادب فارسى ايران از چهره‌هاى سرشنا متخصص خود محروم بماند.

"... مثلا يكى از زمينه‌هاى مهم براى فعاليت فرهنگستان زبانشناسى است و لازم است يكى دو نفر زبانشناس نيز به اين جمع افزوده شوند. در مورد كار برد زبان فارسى در علوم جديد (فنى و مهندسى و معماری و پزشکی و رشته‌هاى فيزيك و رياضيات و شيمي وغيره) نيز فرهنگستان اشخاصى احتياج دارد كه هم باين علوم آشنائى داشته باشند و هم به زبان فارسى علاقمند و از استعدادهاى آن با خبر باشند و احيانا تحقيقاتى هم در اين خصوص انجام داده باشند. و اما مهم‌ترين عامل در انتخاب اعضا، ديگر صرف نظر از تخصص، علاقه و عشق به زبان فارسى و آينده آن است. كسانى بايد انتخاب شوند كه به اهميت و ارزش اين زبان در گذشته و حال واقف باشند و بخواهند كه روح اين زبان را حفظ كنند."

در شماره ۳۴ ماهنامه دنياى سخن اعلام شده است كه خانم سيمين دانشور و طاهره صفارزاده نيز به عضويت فرهنگستان زبان و ادب فارسى "فراخوانده شده‌اند. اين خبر بدون هيچ توضيحى آورده شده و معلوم نيست كه دو نفر اخير جزو ۱۰ نفرى هستند كه قرار است اعضاى هيئت موسس فرهنگستان از ميان صاحب نظران انتخاب كند و يانه.

نخستين فرهنگستان ايران چگونه تشكيل شد؟ فرهنگستان كه جاينگزین فارسى واژه "آكادمى" است، نخستين بار در يكى از جلسات "آكادمى طبي" به كار برده شده از آن پس اين "فرهنگستان طبي" نام گرفت. فرهنگستان طبي در سال ۱۳۱۳ در وزارت معارف تشكيل شد. دو سال پيش از آن (در سال ۱۳۱۱) دكتر هيسى صديق در دانشسرای عالی انجمنی به نام "انجمن وضع لغات و

در مرداد ماه امسال، شورای عالی انقلاب فرهنگى جمهوری اسلامى، پانزده نفر از كسانى را كه داراى سوابق فرهنگى بوده‌اند به عنوان "اعضای موسس فرهنگستان زبان و ادب فارسى" انتخاب كرد. حسن حبيبي، سيدجعفر شهيدى، نصرالله پورجوادی، هلى رواقى، حميد فرزام، مهدى محقق، احمد آرام، بهاء الدين خرمشاهى، فتح‌الله مجتبايى، محمد محيط طباطبائى، قلامحسين يوسنى، محمدتقى دانش‌پژوه، محمد خوانسارى، قلامعلى حداد عادل، ابولحسن نجفى، اعضاى موسس فرهنگستان را تشكيل مى‌دهند.

سيد جعفر شهيدى كه در بنياد فرهنگى دهخدا روى لغت نامه دهخدا كار مى‌كند، احمد آرام كه با ترجمه هایش هستيم، بهاء‌الدين خرمشاهى كه حافظ شناس است، قلامحسين يوسنى پيش از اين روى بوستان و گلستان سعدى كار کرده بود، انتخاب و يا انتصاب حسن حبيبي هم نياز به توضيح ندارد.

مطابق اساسنامه "فرهنگستان زبان و ادب فارسى" كه مصوب "شورای عالی انقلاب فرهنگى" نيز هست، قرار است اين ۱۵ نفر ۱۰ نفر ديگر را از ميان صاحب نظران انتخاب كنند و به جمع خود بيفزايند و سپس از ميان اين ۲۵ نفر رئيس و دبيرى براى فرهنگستان تعيين كنند.

دكتر نصرالله پورجوادی كه عضو شورای عالی انقلاب فرهنگى و يكى از ۱۵ نفر اعضاى هيئت موسس فرهنگستان است در مصاحبه‌اى با يكى از نشریات ماهانه ايران در پاسخ به اين سوال كه "به عنوان يكى از اعضاى هيئت موسس فرهنگستان چه معيارى را در گزينش ۱۰ نفر ديگر پيشهاد مى‌كنيد؟" پاسخ داده است:

"بررسى اجمالى نتايج اولین كنگره اكثريت"

ديگر (و اين بار چه بسا در دنا كتر) تکرار گردد.

كدام سياست‌ها و جهت‌گيرى‌هاى همومى ميتواند به يك دگرگونى اساسى اقتصادى - اجتماعى و سياسى به نفع مردم منجر گردد؟ اينست آن سوال مشخصى كه هر نپروى چپ براى آنكه پراتيك سياسى اش راستا داشته باشد و هدفمند باشد بطور مشخص بدان پاسخ دهد.

و سپس مقاله در نقد فرمول مصوب كنگره سازمان يعنى "استقرار دمكراسى پارلمانى در شكل جمهورى فدراتيو" مى‌نويسد كه اين فرمول به سوالات فوق پاسخ نمى‌دهد و مشخص نمى‌كند اين

برافراشت و آقازى نو در برابر آنچه بود بنیان گذاشت

نزع، همكارى و بجای مسابقه تسليحاتى نابودى سلاحهاى كشتار جمعى، بجای عوام‌غريبي، بخت سازنده، به اين ترتيب تز قديمى "سرزمين شياطين" كه از سوى سياستمداران ضد كمونيست قرب در مورد اتحاد شوروى بكار برده ميشد رنگ باخت.

گارباچف، براى حل مسائل جهانى راه حل‌هاى بسيارى ارائه داد، براى يك ايديه بزرگ، پيكار نمود و توانست مردم جهان را متقاعد كند. اعطای جایزه صلح نوبل به گارباچف پاداش اين تلاش اوست.

سياستى كه گارباچف در چند سال اخير چه در سطح جهانى و شايد پيش از آن در هر صده داخلى پيش برده است مطمئنا تناقضاتى را شامل بوده است. ولى در بى بديل بودن "پرسترويك" و "گلاس نوست" ترديدى جايز نيست. بايد همانطور يكه گيزر كه آندرسن رئيس نروژى كميته صلح نوبل گفت اميدوار بود كه اعطای جایزه صلح به گارباچف امكانات عمل اورا در كشورش تقويت كند.

جایزه صلح نوبل برای گارباچف

صلح به يك نفر با چنين مقبوليتى در جهان مواجه شد. با ميخائيل گارباچف فردى مورد ستايش قرار ميگيرد كه هدف سياست خود را در گسستن ساختارهاى كهنه انديشه و عمل مي بيند. او كسيست كه در دوران اتم چشم انداز جهانى بدون سلاحهاى انهدامگر را ترسيم كرد. او فرديست كه عليه تابلوهائى كه بسان تصويرى مسلم جهان را تحت سلطه داشتند، قد

بقيه از صفحه اول

اعطای جایزه صلح نوبل به گارباچف در جهان با استقبال يکپارچه‌اى مواجه شد. گارباچف هنگام دريافت جایزه ضمن تشكر از كميته صلح نوبل گفت: افتتاحى كه نصيب من شد در وهله اول به مفهوم پذيرفته شدن سياست پرسترويكاست. نکته جالب اينست كه اين براى نخستين بار در تاريخ پيدائش كميته نوبل بود كه اعطای جایزه

برندگان جوايز نوبل

برندگان جايزه پزشكى: جوزف موراي - دونالد توماس - امريكا	برندگان جايزه ادبيات: ريچارد ا. تيلور، كانادا
برنده جايزه مكزيك برنده جايزه شيمي: الياس ج. كورى - امريكا	برندگان جايزه اقتصاد: هارى ميلر و ويليام شارپ - امريكا

بحران منطقه در مسیر یافتن پایانی صلح آمیز؟

بقیه از صفحه اول

با اوج گیری جنبش مقاومت فلسطین در مناطق اشغالی و توجه بیشتر انظار عمومی جهان به آن منطقه و نیز با محکومیت قاطعانه اسرائیل بخاطر کشتار مردم بی دفاع فلسطین دولت اسرائیل بیش از پیش برای گردن نهادن به پذیرش حقوق فلسطینی ها زیر فشار قرار گرفته است. اگر چه حل مناقشه فلسطینی ها و اسرائیل بسادگی و شتاب روندهای لبنان نخواهد بود، اما چنین می نماید که در این زمینه نیز برخی قول و قرارها می تواند هبران عرب را خشنود ساخته و فشار آنها را بر صدام حسین برای خروج از کویت فزون تر سازد. در کنار این روندها، سفر دوره ای پریماکف مشاور برجسته گارباچف نیز در محافل سیاسی مختلف امیدها و مبنی بر یافتن راه حل صلح آمیزی برای بحران منطقه قوت بیشتری بخشید. وی که دیدار خود را از عراق شروع کرده بود، هفته پیش در پایان سفر خود به باوش به رایزنی پرداخت. پس از این دیدار هم بوش و هم پریماکف در برابر خبرنگاران بر ممتنی شدن حل صلح آمیز بحران تاکید نهادند.

هفته پیش خبرهایی نیز در مورد تصویب قطعنامه ای دیگر از سوی سازمان ملل علیه عراق در مطبوعات جهانی بازتابی گسترده یافت. به موجب این قطعنامه قرار است که رفتار عراق با اسرای فریبی محکوم شده و در مورد ضررهائی که متوجه منافع غرب در عراق و کویت شده، از این کشور طلب فرامت شود. طرح چنین قطعنامه ای نشان میدهد که در حال حاضر چه در آمریکا و چه در

کشورهای دیگر قریب استفاده از اهرمهای فیر نظامی مرجح شناخته می شود. همه پرسشی های جدید از مردم آمریکا نیز بر کاهش حمایت مردم از اقدام نظامی آمریکا در منطقه خلیج دلال دارد، هفته پیش هنگام سخنرانی بوش در توجیه حضور نظامی آمریکا در عربستان، گروهی از جوانان با چارو چنگال و سردادن شعار "خون در برابر نفت!" سخنرانی وی را با اختلال روبرو کردند، این رویداد نیز ضربه ای بود به حیثیت افت یابنده چرخ بوش. دولتهای فریبی نیز که در حمایت از حضور آمریکا در منطقه از همان ابتدا سیاست کجدار و مریزی را به پیش بردند، اینک با افزایش مخالفت های مردم خویش در ادامه این سیاست پیش از پیش بادشواری مواجه اند.

صدام حسین نیز با استفاده زیرکانه از همین جو در تلاش برای شکاف انداختن در افکار عمومی غرب و دامن زدن به مخالفت مردم این کشورها علیه سیاست حضور نظامی فر منطقه است. در همین راستا صدام حسین پس از دیدار بانهاینگان آلمان در پارلمان اروپا ۸ گروه کان آلمانی را آرزو ساخت.

خانواده های گروگانهای آلمانی با آگاهی به تیربخش بودن چنین دیدار هائی هفته پیش در برابر وزارت خارجه آلمان دست به تظاهرات زدند و خواهان مذاکره مستقیم مقامات این کشور با دولت عراق شدند. چنانکه آمده ام این روندها نشانه افزایش بدبینی مردم غرب نسبت به حضور نظامی نیروها و اسرای فریبی در منطقه خلیج فارس و مخالفت آنها با هرگونه اقدام نظامی در آن منطقه است. اینکه آیاتنمائی رویدادها و روندهای یاد شده خطر و توقع جنگ را کاملا ممتنی ساخته اند، پرسشی است که پاسخ آنرا باید به زمان و نهاد.

نتایج انتخابات مجلس خبرگان اعلام شد

بقیه از صفحه اول

از مردم در این انتخابات شرکت نکردند. تحریم انتخابات از سوی ائتلاف وسیع مردم، علیه رقم تبلیغات بی سابقه ای که رژیم برای انداختن - نشانه مخالفت گسترده با حکومت آخوندها و عدم پذیرش مشروعیت آن از سوی مردم ایران است. از این نظر انتخابات اخیر را باید شکست دیگری برای مجموعه حکومت به شمار آورد. اما بر بستر این شکست عمومی جناح رفسنجانی - خامنه ای توانست بر حریف داخلی خود پیروز شود و مجلس خبرگان را با کنار گذاردن کاندیداهای جناح "تندرو" قبضه کند.

نمایندگان مورد لزوم ترسید. در استان تهران برای انتخاب ۱۵ نماینده تنها ۱۶ کاندید وجود داشت. در ۱۱ استان از جمله استانی فارس همدان، مرکزی، کردستان و آذربایجان قریب تعداد افراد کاندید شده با تعداد نمایندگان انتخاب شده برابر بود و هملا هیچ گونه انتخابی صورت نگرفت. در سایر استانها نیز تعداد کاندیدها تنها یک تا ۳ نفر از تعداد مورد نیاز بیشتر بود! این نمایش مسخره نشانگر آن است که ائتلاف رفسنجانی - خامنه ای به پیروزی خود حتی در یک انتخابات فیر آزاد و کنترل شده نیز اطمینان نداشت و به انتصاب مجرهای مورد نظر خود در مجلس خبرگان دست زده.

هفته گذشته و پس از انجام انتخاب نیز درگیری های گروههای مختلف حکومتی همچنان ادامه یافت. گزارشاتی مبنی بر برپایی تظاهرات موافقین و مخالفین در چند شهر تهران از جمله قم، افشادهای تند آخوندها علیه یکدیگر و زد و خورد هواداران آنها در مساجد منتشر شده است. هر چند باند رفسنجانی - خامنه ای خبرگان را تحت کنترل کامل خود در آورده است اما این انتخابات را نباید نقطه پایان درگیری های گروههای رقیب

اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان، به جز چند چهره معدود - کاندیدهایی هستند که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مجمع روحانیت مبارز تهران از آنان پشتیبانی می کردند و این نمایندگان هواداران ائتلاف خامنه ای - رفسنجانی هستند. این ائتلاف برای قبضه کردن مجلس خبرگان تن به رسوایی بزرگی داد و انتخابات فیر آزاد را به انتصاب آشکار هواداران خود در مجلس خبرگان تبدیل کرد. تعداد کاندیدهای واجد صلاحیت از سوی مجلس خبرگان تقریباً در هیچ استانی حتی به دو برابر

کویت دولت کاملی در تبعید

بقیه از صفحه اول

بزرگترین سرمایه گذارهای خود را در اسپانیا انجام داده است. این داراییها پایه مهمی را جهت تداوم این امیر نشین تشکیل میدهد. خانواده آل صباح ۳۰ میلیارد دلار در فدرال رزرو بانک امریکا سرمایه گذاری کرده است. یکی دیگر از منابع "عمومی" گنج خانواده صباح شرکت کویت پترولیوم اینتر ناسیو نال میباشد. این شرکت صاحب ۶۵۰۰ پمپ بنزین در اروپاست.

به این ترتیب استراتژی مالی خانواده مزبور و معاملات پولی آن میتواند کماکان ادامه یابد. یکی از مشکلات شیخ کویت شمار انبوه پناهندگان کویتی است که به هنگام ورود ارتش عراق در سواحل خلیج فارس، قاهره و اروپا در سفر بودند. افزون بر آن تقریباً به همان اندازه از دوم اوت در این سو کشور ارتک کرده اند. به این ترتیب بیش از یک سوم مردم به پناهنده تبدیل شده اند.

دروغ گویی تا کجا؟

بقیه از صفحه اول

"پرسشهای مطرح شده" از جانب گالیندوپیل شرح مفصلی از رعایت حقوق بشر در دادگاههای اسلامی را ارائه داد و مدعی شد که احکام دادگاههای جمهوری اسلامی بر اساس تفهیم اتهام به متهم، در نظر گرفتن وکیل برای آنان و امکان دادگاه تجدید نظر برای متهمین در کلیه محاکم قرار دارد! رئیس قوه قضائیه در این دیدار خاطر نشان نمود: در هیچ نظام حقوقی به اندازه اسلام از حقوق انسان حمایت نشده است. بهترین دلیل این مدعا زندگی توام با آزادی اقلیت ها و حتی کسانی که مخالف انقلاب هستند در کنار بقیه مردم کشورمان است. بطوریکه گروههایی در کشور وجود دارند که هر چند بیان قلم و

جلساتشان علیه حکومت اسلامی است ولی تا زمانی که پا از مقررات فراتر نرند و عملاً اقدامی نکنند ما با آنها برخوردی نداریم!

شیخ محمد یزدی در شرایطی این دروغهای بزرگ را به بازرس ویژه سازمان ملل متحد تحویل داد که دومین سالگرد کشتار هزاران زندانی سیاسی در ایران برگزار می شود و فشار علیه آزادیخواهان داخل کشور و دستگیری و شکنجه آنان ادامه دارد. سخنان شیخ حاکم بر قوه قضائیه کشور برای هر کسی که کوچکترین آشنایی با وضعیت حقوق بشر در ایران داشته باشد، بی نیاز از تفسیر است و تنها استعداد و قاحت حکام ایران در دروغ گویی را آشکار می سازد. اما چنان دروغگویی های

آشکاری در حضور بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر و همچنین اظهارات منتشر شده بنام آقای گالیندوپیل، این نگرانی را پدید می آورد که گزارش سفر اخیر هیئت اعزامی نتواند - و یا احتمالاً نخواهد -

وضعیت واقعی حقوق بشر در ایران را بطور بیطرفانه انعکاس دهد. گزارش قبلی آقای گالیندوپیل هر چند تا اندازه ای پایمال شدن حقوق بشر در جمهوری اسلامی را بازتاب می داد، اما بدلیل نواقص عمده آن مورد انتقاد بسیاری از احزاب و سازمانهای ایرانی قرار گرفت. آزادیخواهان ایران انتظار دارند که گزارش سفر اخیر گالیندوپیل نقایص گزارش پیشین را برطرف کند و بیان کننده واقعی سرکوب حقوق بشر در ایران باشد.

دارند، بیشترین حساسیتها را در قبال مسایل سیاسی، اقتصادی و امنیتی این آبراه نشان می دهند. بدین ترتیب رژیم ایران که تاچندی پیش با حرارت خواهان سرنگونی صدام حسین، فتح نجف و کربلا و بغداد و برگزاری نماز جمعه در شهرهای عراق بود، اکنون با جدیت از هلاقی مشترک با این رژیم سخن می گوید.

خواهد ساخت و زمینه ساز حل اختلافات دوجانبه خواهد بود. و این رادیو افزود هلاقی مشترک بسیاری در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی میان دو کشور وجود دارد. دو کشور از بنیان گذاران اوپک به شمار می روند و با توجه به آنکه در کنار هم تمام سواحل شمالی خلیج فارس را در اختیار

سفارتخانه های ایران

و عراق بازگشایی شد

بقیه از صفحه اول

دستیابی به هدفها و سیاستهای دو کشور را بدون واسطه میسر



پیشنهاد تشکیل جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران

جبهه ملی ایران در اروپا پیشنهاد تشکیل جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران با انتشار نامه سرگشاده ای خواستار تشکیل جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران گردید. در این نامه آمده است:

"تجاوز رژیم اسلامی به حقوق اساسی مردم ادامه دارد و با دستگیری آقایان هرمز میزبانی، خسرو پارسا و مهندس هاشم صابقیان هم اکنون ۲۱ نفر از امضاکنندگان و وابستگان جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران در زندان بسر می برند. تاکنون اجازه ملاقات با زندانیان را ندادند و حال مزاجی علی اردلان رئیس جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران و وضع جسمانی دکتر علی تابنده و خیم می باشد.

این زندانیان بدون هرگونه جرم و محاکمهای محکوم به بازداشت نامحدود شده اند و ماموران زندان می کوشند با استفاده از وسایل عذاب و شکنجه این عده را نظیر هزاران قربانی دیگر به اهترافات دروغین و فیر واقعی و ادار سازند و اهترافات گرفته شده در زیر شکنجه می تواند از سوی بیدادگاههای رژیم حکومت اسلامی که در آنها آئین دادرسی کمترین قربانی با موازین حقوق بین المللی ندارد، مبنایی برای محکومیت و صدور احکام اعدام ایشان قرار گیرد زیرا شیوه تجاوز و توطئه چینی مسئولین حکومت اسلامی مقید به رعایت هیچ قانون و حقوق بشری نیست.

بنا بر گزارش هفته گذشته سازمان هغو بین الملل در یکسال اخیر ۱۵۰۰ نفر در بیدادگاههای رژیم اسلامی به اعدام محکوم شده اند... با توجه به این نکته که توطئه کتونی و شکنجه های مخوف که نسبت به عده ای از دستگیرشدگان نامه نودنفره گردید، می توان پی برد که اوج و گسترش نوین جنبش یکساله اخیر در داخل کشور رژیم را تاچه اندازه به وحشت انداخته و وادار به هکس العمل شدید و سریع و

شتاب زده کرده است

این ملاحظات اهمیت و ضرورت یک مبارزه وسیع و جدی و همه جانبه را در جهت دفاع از جان و حقوق دستگیرشدن اخیر و هزاران زندانیان سیاسی دیگر هر چه بیشتر آشکار می سازد. به خاطر نجات کلیه زندانیان سیاسی ایران، جبهه ملی ایران در اروپا گشودن جبهه وسیع را در جهت دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران لازم می داند.

رویدادهای اخیر اهمیت روزافزون تشکیل یک جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران را از همه نیروها، احزاب و سازمان های سیاسی ایرانی برای دفاع از زندانیان سیاسی می طلبد.

ما نه فقط خود از وسایل و امکاناتی که در اختیار داریم در این جهت استفاده خواهیم کرد، بلکه شرکت در این مبارزه عادلانه را بر همه سازمان ها و گروهها و افراد آزادیخواه و میهن پرست در داخل و خارج از کشور واجب میدانیم و از همه نیروها دعوت می کنیم که در سازمان دادن به یک کوشش و اقدام همگانی در این راه با ما همگام شوند ما به جرات می توانیم بگوییم که در صورت تمرکز نیروهای موجود در جهت صحیح و همگامی اقدامات و استفاده درست و کامل از وسایل و امکانات موجود در خارج از کشور می توان حکومت استبدادی اسلامی را از انجام بسیاری از توطئه ها و تجاوزات به حقوق مردم بازداشت و از این راه نه تنها به تحکیم حقوق مبارزاتی بلکه همچنین به تحکیم شرایط گسترش مبارزه در داخل کشور یاری رساند.

جبهه ملی ایران در اروپا ضمن پیشنهاد تشکیل یک جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران از همه احزاب، سازمان های سیاسی، دمکرات ها و شخصیت های ملی و اجتماعی دعوت می کند به خاطر نجات و رهایی کلیه زندانیان سیاسی ایران بدون در نظر گرفتن عقاید و مسالک سیاسی آنان در ایجاد این جبهه دفاع با ما همگام شوند.

"بررسی اجمالی

نتایج اولین کنگره اکثریت

نشریه اتحاد کار ارگان سازمان فدائی در مقاله ای با عنوان "بررسی اجمالی نتایج اولین کنگره اکثریت" به بررسی و نقد نتایج کنگره سازمان پرداخته است.

در ابتدای این مقاله نوشته شده است "در ایران مانیز مانند هر جای دیگری مساله اساسی یک تحول اجتماعی بنیادین قدرت سیاسی است. چنین تحولی با موجودیت جمهوری اسلامی فیر قابل تلفیق است. بنابراین حکومتی جدید باید جایگزین حکومت جمهوری اسلامی گردد. این کدام حکومت است و چگونه می تواند جایگزین حاکمیت کتونی گردد؟

بقیه در صفحه ۶

از رویدادهای ایران

مستضعف‌نمایی جدید 'رهبر انقلاب'

سیدعلی خامنه‌ای در دیدار با مسئولین بنیاد مستضعفین، بار دیگر به یاد محرومین کشور افتاد و در مورد لزوم رسیدگی به وضع آنان سخن گفت و در روز ۲۵ مهر اعضای این بنیاد را به حضور پذیرفت و بر فعالیت بنیاد مستضعفان در کنار دولت و در خدمت به محرومین و ساختن یک جامعه مطلوب اسلامی تأکید نمود. او لزوم توجه و رسیدگی هر چه بیشتر به امور محرومین و مستضعفان و جانبازان و برخورد مناسب و همراه با مصلحت‌های جمهوری اسلامی را با آنان در مراجعه به دستگاه‌های جمهوری اسلامی خاطر نشان ساخت. خامنه‌ای به لزوم کارهای وسیع اقتصادی در بنیاد مستضعفان و جانبازان اشاره کرد و گفت: برای رسیدگی و کمک به محرومین جامعه، تلاش گسترده در راه فعالیت‌های اقتصادی در این بنیاد کاری اساسی است که باید در نهایت سلامت و صحت و دور از هرگونه آلودگی صورت گیرد. بخش دیگر سخنان خامنه‌ای هشدار به مسئولین بنیاد مستضعفان

در مورد لزوم رعایت دقیق تقوا، امانت، بلند نظری و بی‌اهمندی به امور دنیوی بود که نشاندهنده رواج گسترده فساد و رشوه خواری در این بنیاد است. هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور نیز همان روز با اعضای کمیسیون تعزیرات حکومتی و مسئولین واحدهای ذیربط دیدار نمود و بر لزوم رسیدگی جدی به تخلفات دستگاه‌های دولتی در سراسر کشور تأکید نمود.

سخنان خامنه‌ای و رفسنجانی را باید از زمره سخنرانی‌هایی دانست که هر چند گاه یکبار در حمایت و دل‌سوزی از محرومین و مبارزه با تخلفات دستگاه‌های دولتی ایراد می‌شود تا بلکه عده‌ای را بفریبد. سخنان هفته گذشته رهبر انقلاب، در جریان درگیری‌های شدید حکومتی، این هدف را نیز دنبال می‌کند که تبلیغات مخالفین تندرو در این زمینه که "مقام معظم رهبری" مدافع بازاریان و مطلق‌تین است، را خنثی نماید.

دیدار نایب رئیس مجلس ملی یمن از تهران

سعیدالحکیمی نایب رئیس مجلس ملی یمن دوشنبه هفته گذشته برای انجام یک دیدار از ایران وارد تهران شد. وی حامل پیامی از جانب علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن برای هاشمی رفسنجانی بود. وی روز سه شنبه با حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور حکومت اسلامی دیدار نمود. به گزارش واحد مرکزی خبر نایب رئیس مجلس یمن در این دیدار تجاوز عراق به کویت را محکوم نمود و عربستان را به خاطر پذیرش نیروهای خارجی مورد نكوهش قرار داد و خواستار خروج عراق از کویت و نیروهای خارجی از منطقه گردید. حسن حبیبی در این دیدار اعلام داشت: تغییر مرزهای معتبر بین‌المللی به مصلحت هیچ کشوری نیست و موجب آشفتنگی و بهم خوردن بسیاری از مقررات بین‌المللی خواهد شد و به همین جهت جمهوری اسلامی معتقد است که عراق باید به مرزهای شناخته شده برگردد و بیگانگان نیز از منطقه بیرون بروند.

ریشه‌های ناتوانی ورزش ایران در چیست؟

ورزش در بند مکتب

در شماره گذشته موقعتیت ورزش ایران در سطح آسیا را با توجه به نتایج بدست آمده در بازیهای آسیایی مورد بررسی قرار دادیم. این هفته به عوامل اساسی که موجب افت شدید ورزش ایران در دوران جمهوری اسلامی شده است، می‌پردازیم. رژیم جمهوری اسلامی از نظر آرمانی با ورزش بیگانه است. این رژیم استیصال جوانان از ورزش را خوش نمی‌داند و ترجیح می‌دهد آنها به جای حضور در میدان پررقابت ورزشی، اوقات خود را در مساجد، منابر و نمازهای جمعه بگذرانند. برنامه ریزان رژیم به تجربه دریافته‌اند که روحیه پرداختن به ورزش با روحیه مسجدنشینی هم خوانی ندارد و بهمان اندازه که میدانهای ورزشی از جوانان پر می‌شود؛ نمازهای جمعه از صفوف آنان خالی می‌گردد. علاوه بر این رژیم ورزش را کاتالی برای رسوایی فرهنگی بیگانه غرب و شرق در میان جوانان می‌پندارد. این موضوع بویژه در مورد ورزشهای مدرن که ریشه خارجی دارند، بطور شدیدتری وجود دارد. بسیاری از این ورزشها با شرایط اسلامی بیچ وجه سازگار نیست. متفکرین رژیم هر قدر سعی کرده‌اند، نتوانسته‌اند این ورزشها را به لباس اسلامی درآوردند نتیجه کار بدانجا کشیده

بسیاری از زلزله‌زدگان همچنان بی سرپناه هستند

میزان اعتبارات بانکی برای کشاورزان آسیب دیده این استان برابر ۱۴ میلیارد ریال پیش‌بینی گردیده است. هم چنین اعلام گردید ساخت و تعمیر ۱۴۵۰ واحد مسکونی در ۴۵ روستای طارم سفلی زنجان توسط ستاد معین اصفهان به پایان رسیده است. تعداد روستاهای ویران شده در بخش طارم سفلی ۱۱۲ عدد است. گزارشهای دریافتی از ایران حاکی است که کار بازسازی مناطق آسیب دیده و کمک به زلزله زدگان بسیار کند پیش می‌رود و میزان کارهای انجام شده بسیار کمتر از آن است که در تبلیغات رژیم منعکس می‌شود.

بنابر گزارش رادیوی دولتی ایران در ۲۳ مهرماه، ۱۵۰۰۰ واحد مسکونی در استان زنجان مرمت و بازسازی شده است که تنها برای اسکان موقت ۵۰ درصد زلزله‌زدگان این استان کفایت میکند. مطابق این گزارش تاکنون ۳۰ میلیارد ریال کمک از جانب مردم، دولت و استان‌های معین به آسیب دیدگان زلزله استان زنجان اختصاص یافته که ۱۰ میلیارد ریال آن هزینه گردیده است. کلاسهای درس در مناطق زلزله‌زده در میان چادرها برپا می‌گردد. طی ۴ ماهه پس از وقوع زلزله ۵ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال وام از سوی بانک کشاورزی این استان در اختیار بیش از ۱۰ هزار تن از کشاورزان آسیب دیده قرار گرفته است. به گفته استاندار زنجان

تظاهرات دولتی در تهران

سپاه پاسداران خوانده شد. رفسنجانی در این پیام بر مبارزه مسلحانه به عنوان تنها راه محو اسرائیل تأکید نمود و کشورهای مدعی حقوق بشر را به خاطر سکوت در برابر این جنایت محکوم نمود. رفسنجانی اعلام داشت که جمهوری اسلامی همچنان خواستار برقراری حکومت اسلامی در سرزمین فلسطین است. او مجدداً شعار امروز ایران - فردا فلسطین را مورد تأیید قرار داد. رفسنجانی در پیام خود از آمریکا نامی نبرد و از محکوم نمودن آن خودداری نمود. در پایان این تظاهرات قطعنامه‌ای در فرماده صادر شد که ضمن حمله به آمریکا خواستار ادامه جهاد تا محو اسرائیل قاصب شده است.

دوشنبه هفته گذشته تظاهرات کم شماری از سوی رژیم در اعتراض به کشتار فلسطینیان در اورشلیم صورت گرفت. تظاهر کنندگان که اکثر آنان را بسیجیان و اعضای نیروهای مسلح تشکیل می‌دادند از دانشگاه تهران و سفارت سابق آمریکا دست به تظاهرات زدند و در میدان فلسطین اجتماع کردند. محمدی گلپایگانی نماینده خامنه‌ای در جریان این مراسم از لوح یادبود قربانیان اخیر مردم فلسطین پرده برداری کرد. هاشمی رفسنجانی پیامی برای تظاهر کنندگان فرستاد که توسط محمد هراتی نماینده خامنه‌ای در

جاری شدن سیل در استانهای شمالی کشور

ارتباطی را در این استان منهدم کرده و بیش از یک میلیارد ریال به شبکه‌های برق رسانی، آبیاری کشاورزی و راههای ارتباطی خسارت وارد شده است. در جریان این سیل دهها میلیون ریال وسایل مردم از بین رفته است. معاون همراهِ استانداری گیلان میزان خسارات وارده تا روز ۲۴ مهر را بالغ بر ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال ذکر کرد. بارندگیهای هفته گذشته شرایط زندگی هزاران تن از زلزله‌زدگان استان گیلان را با شواریهای تازه‌ای روبرو کرده است. علیرغم گذشت ۴ ماه از وقوع زلزله در شمال کشور هنوز بسیاری از هم‌وطنان زلزله‌زده جایی برای اسکان نیافته‌اند.

سفر نوربخش به آذربایجان شوروی

هفته گذشته محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم در راس یک هیئت از آذربایجان شوروی دیدار کرد. ۳ تن از نمایندگان مجلس و استاندار آذربایجان شرقی جزو هیئت همراه وزیر امور اقتصادی و دارایی بودند. این سفر بنا به دعوت مشترک رئیس شورای وزیران آذربایجان شوروی و رئیس طرف شوروی کمیسیون همکاری‌های دو کشور صورت گرفت. در این سفر گسترش مناسبات اقتصادی - بازرگانی و فرهنگی میان ایران و آذربایجان شوروی و هم چنین اجرای مبادلات مرزی بین استان‌های هم‌جوار مورد بررسی قرار گرفت و مذاکراتی پیرامون انتقال گاز ایران به اروپا از طریق اتحاد شوروی انجام شد.

خبرهای کوتاه ورزشی

اهرام خواهد گردید. مسابقات والیبال جوانان آسیا نیز در آذرماه سال جاری در بانکوک پایتخت تایلند آغاز می‌شود. قبلاً قرار بود عراق میزبان این مسابقات باشد. چهارمین دوره مسابقات کشتی استان تهران در رشته‌های آزاد و فرنگی هفته گذشته در تهران آغاز شد. در این مسابقات ۴۵۰ کشتی‌گیر از ۴۴ باشگاه شرکت دارند. مسابقات ۹ هفته ادامه خواهد داشت. تیم ایران در یک دوره مسابقه دو چرخه سواری در دمشق پایتخت سوریه به مقام سوم دست یافت. این مسابقات با شرکت ۵ تیم برگزار شد. کشورهای سوریه و ترکیه مقامهای اول و دوم را به خود اختصاص دادند.

مرحله نهایی مسابقات شطرنج قهرمانی کشور، جهت انتخاب تیم ملی ادامه دارد. در سومین دوره لنجانی و هادی مومنی بر آریانژاد و بابک تندپور پیروز شدند و عباس خاکپور و پوراویلی مساوی شدند. در دور چهارم تندپور در برابر لنجانی و آریانژاد در برابر خاکپور به پیروزی رسیدند و مومنی و پوراویلی مساوی کردند. در پایان این دور هادی مومنی با ۳ امتیاز در صدر قرار دارد. قرار است تیم ملی شطرنج ایران در نیمه دوم آبانماه در المپیا دجانی شطرنج در یوگسلاوی شرکت کند.

مسابقات والیبال قهرمانی باشگاههای ایران از روز دهم آبانماه با شرکت ۱۰ تیم آغاز خواهد شد. این مسابقات در یک گروه و بصورت رفت و برگشت انجام می‌شود و قهرمان آن به مسابقات قهرمانی باشگاههای آسیا از قیود دست و پاگیر مکتب و حجاب است که به‌ویژه برای ورزش زنان حیاتی می‌باشد. ورزش را نمی‌توان در زنجیر مکتب به بند کشید و از آن انتظار شادابی و توانایی داشت.

سطح وسیعی تصفیه شده‌اند. آنها که باقی مانده‌اند را دخالت‌های بی‌جای آخوندها و آخوندک‌ها فلج ساخته است. مطبوعات ورزشی کشور زیر فشار قرار دارند و باشگاههای ورزشی به شدت کنترل می‌شوند. نتیجه کار این شده است که بسیاری از ورزشکاران، مربیان، کارشناسان فن یا به خارج آمده‌اند و یا کناره‌جویی می‌کنند. دستگاه ورزشی کشور به‌جای اینکه عامل گسترش ورزش در جامعه باشد، مانعی بر سر راه آن شده است. نخستین گام اساسی برای پی‌ریزی ورزش سالم و نیرومند در کشور مارهایی سازمان تربیت بدنی از دخالت آخوندهاست. این دستگاه باید خود راسا امر برنامه‌ریزی و هدایت فعالیت‌های ورزشی را بدست گیرد و برای آنکه توانایی و آمادگی چنین وظیفه‌ای را کسب کند باید در همه سطوح پاکسازی و دموکراتیزه شود. آخوندها و آخوندک‌ها و همه کسانی که به دلیل مکتبی بودن و وابستگی به رژیم در این سازمان جاجوش کرده‌اند، کنار گذاشته شوند و تربیت بدنی به‌دست خبرگان ورزش کشور و ورزشکاران سپرده شود و بر اساس دموکراتیک بازسازی گردد. گام اساسی دیگر پایان دادن به محدودیت‌های اعمال شده بر فعالیت‌های ورزشی و رهاندن آن

گردن آن، پیکر ورزش ایران را که تا قبل از آن هم نحیف و نزار بود، نحیف‌تر و نزارتر کرد. عامل دیگری که در ناتوانی ورزش ایران نقش بزرگی دارد فصب دستگاه ورزشی کشور توسط آخوندها و تصفیه آن از نیروهای دلسوز و کارآمد و برقراری استبداد و اختناق در این دستگاه است. سازمان تربیت بدنی بزرگترین وسیله اجرای فعالیت‌های ورزشی، برنامه‌ریزی و بودجه‌گذاری آن و در یک کلام اشاعه ورزش در جامعه است. این دستگاه تماماً به تصرف آخوندها درآمده، مقامات و مسئولیت‌های آن به افراد خوش خدمت و بلبه قربان‌گو سپرده شده است. بسیاری از مسئولین امروزه تربیت بدنی در هم‌رسان هرگز با ورزش سر و کار نداشته‌اند، آنها درگیری‌ها و رقابت‌های جناحی حکومتی را به این دستگاه نیز کشانده‌اند، هرگونه ثباتی در امر مدیریت را از بین برده‌اند، مسئولیت‌ها و مقامات کشور ما در فدراسیونها و کنفدراسیونهای آسیایی و جهانی را بابتی‌گفایتی از دست داده‌اند... هر اعتراضی به بی‌کفایتی‌ها و ندانم‌کاری‌ها در تربیت بدنی و جامعه ورزشی با پرونده‌سازی، تمدید، برکناری و حتی پیگرد و بازداشت جواب داده می‌شود. نیروهای متخصص در

پدیده جدید
بتیه از صفحه ۷
مغز انسانی را در تکه پارچه‌ای چند متری محبوس می‌کنند چه بلایی بر سر مغز شما تازهای ایرانی که تنها وجه مشترکتان با ما دانستن زبان فارسی است وارد می‌کنند؟
خداوندشان، شعورشان بدهد.
پناهنده آخگر

گزارشی از سمرقند، بخارا و جمهوری تاجیکستان شوروی

کنگره فردوسی و ملت‌ها

مقاله کوتاه شده زیرنوشته نسبتاً مخلص آقای بهرام موکریانی در مورد کنگره فردوسی و ملیت‌های ساکن ایران است. بخش‌های کوتاه شده این مطلب مربوط به خبر تشکیل این کنگره، مفید و لازم دانستن این نوع کنگره‌ها و هم چنین تلاش‌های رژیم‌های شاهنشاهی و اسلامی برای نادیده انگاشتن فرهنگ و ادبیات ملل غیر فارس ایران است. بخش‌هایی از مقاله که به موضوع کنگره فردوسی و ملیت‌ها پرداخته است را در زیر می‌خوانید.

اما در این کنگره مفاهیم کهنه‌ای این بار از زبان بزرگان ادب ایران بر زبان آورده شد که جای تامل دارد، آن هم در همان چهار چوبی که سالهاست تکرار می‌شود و آن تفکری است که عرصه‌های سیاست، فرهنگ و هنر و ادبیات ما را آلوده کرده است. و آن مفاهیمی است چون "ایرانی"، "ملیت ایرانی" و "زبان ملی". بدین معنا ایرانی جماعت یعنی فارس‌ها و PERSA، یا پارسی‌ها و زبان ایرانی یعنی فارس. گویی کردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها... اولاً ملیتی شیراز فارس ندارند دوماً در این ایران بزرگ نقشی در تاریخ، سیاست، ادبیات، زبان و فرهنگ و هنر نداشته‌اند و اگر داشته‌اند، کرد و بلوچ و آذری نبودند بلکه فارس بوده‌اند. کاری که عرب‌ها در مورد بزرگانی چون رازی و ابن سینا و فرزالی و دینوری و آمیدی و شاره زوری، اینتوخکان و ابوالفیاض و اینبوجابیب و اینبو صلاح و ابن اثیر و دیگران کردند، چون این بزرگان در دوره تسلط اعراب و اسلام و بعد از آن آثار خود را به زبان عربی انتشار داده‌اند، عرب خوانده می‌شوند. در صورتیکه اینان فارس یا کرد بوده‌اند. و این گفته از هر جایی است که می‌گویند، هر آنکس به زبان عربی اثری خلق کرده است عرب است. حال فرق نمی‌کند آن شخص است ابوالاسطه عبدالصمد کرد باشد یا عباس محمود دیار بکری، این یکی قاری قرآن به زبان عربی بوده و آن دگر نویسنده‌ای که به زبان عربی می‌نوشته، نظر خود آنها هم برای آقایان که صریحاً خود را کرد خوانده‌اند ارزشی ندارد. دهوایی که هنوز بر سر ابوالهلی سینا و ذکریای رازی بین عرب و فارس ادامه دارد.

متأسفانه این معنا در نزد ایرانیان فارس زبان نیز متداول است به همین دلیل ادبیات و زبان و هنر فارسی را ثروت و محصول تفکری خود فارس‌ها می‌دانند و کل آن را ادبیات و هنر ایرانی می‌خوانند که منظور فارس است. حال اثر مربوط به هر کس هست باشد.

در کنگره فردوسی در شهر کلن بسیار از "زبان ملی" از "میتن" و از "ایران" صحبت شد، از عظمت و بزرگی ایران، زبان و فرهنگ و شعر و ادبیات آن گفته شد، از تاثیر شاهنامه در چین، هند، پاکستان، گرجستان و کجا و کجا حرف زده شد. اما از شاهنامه به عنوان سرچشمه‌ای عظیم ترون متمدنی جز اولین کتب درسی مراکز علمی و ادبی تا همین اواخر در کردستان بود. از شاهنامه به زبان‌های مختلف یاد شد از آن شاهنامه به زبان کردی و نقالی دیرینه آن خبری نبود. یکی از سخنرانان سعی داشت در مورد تاثیر شاهنامه در شبه قاره هند چیزی از قلم نیندازد، دیگری تیزبینانه چین را می‌نوردید و آنان دیگر آمار دقیق از تعداد شاهنامه‌ها فهرست تیتراها و اسامی شاهنامه در کتابخانه‌های جهانی ارائه می‌دادند. اما کسی نبود شاهنامه و ایران و ایرانیان را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

زبان در کنار فرهنگ و فولکلور و مذهب و سرزمین و اقتصاد یکی از مهمترین نشانه‌های یک ملت است. برای به حساب نیاروندن و ذوب هر ملتی قبل از هر چیز زبان آن ملت را می‌گیرند، کاری که سال‌های سال در مورد زبان فارسی از طرف اعراب اعمال شده و کار ناشایستی که سال‌های بس طولانی است که در مورد مردم کرد در کشورهای ایران،

فارس شدن لغات جریان دارد، وضع به گونه‌ای است که مردم دیگر ضرورتی نمی‌بینند که کسی بنشیند و برایشان درجایی تصویب کند که بطور مثال بجای لفاظ "زیسپالیک" و... چه بگویند آنها این لغات را بطور مستقیم از فارسی معاصر اقتباس میکنند و میگویند "جمهوری" و "یا شوروی" و در مورد دیگر لغات نیز، چنین عمل میشود.

وضع در تاجیکستان هم جالب

کمبود امکانات مدرن برای حفظ و نگه‌داری کتب میتالیدند. آنها می‌گفتند این کتابها اغلب از زیرزمین خانه‌ها و از دل خاک، بیرون آورده شده‌اند، زیرا در گذشته اگر مقامات دولتی می‌فهمیدند که کسی از این تپ کتابها در اختیار دارد او را دستگیر و زندانی میکردند. آنها می‌گفتند: قبل از پروستریکا، کتابهای این مرکز، ده هزار جلد بود، اکنون به ۳۰ هزار جلد رسیده است.

باید تاکید نمود که بخشی از فرهنگ و علم ادب ایران در این کتابخانه خاک می‌خورد. لازم است که مراکز فرهنگی ایران از این کتابخانه خطی لیستبرداری نمایند و برای اینکار هیچ ضرورتی به بوروکراسی اداری نیست.

در این مرکز با پیرمردی از گیلان سرسبز خودمان آشنا شدیم وی ۴۰ سال است در این شهر بسر میبرد نامش دلیلی است، اکنون با گسترش جنبش فرهنگی و ملی نقش او هم افزایش یافته است، تنهایی او دل ما را به درد آورد، نهار را مهمانش بودیم، او تنها ایرانی شهر سمرقند است، زن تاجیک گرفته و بچه‌هایش بزرگند، وی به ما گفت که ارتباطش با ایران قطع شده و بسیار دوست دارد که ایران، رشت و تهران را ببیند.

آثار باستانی شهر سمرقند و فضای آن، انسان را با تاریخ خود، با ایران بزرگ پیوند میدهد، شهری زیبا و قدیمی که واقعا دیدنی است.

در بخارا، از مدرسه میرعرب، که واقعا زیبا و تاریخی است و اکنون طلبه‌ها در آن درس می‌خوانند، دیدن کردیم، و هنگام دیدار از ارک، متوجه شدیم که یک ایرانی مهاجر در آنجا به تدریس زبان فارسی مشغول است، ما هم در کلاس شرکت جستیم، ترکیب همه شرکت‌کنندگان کلاس جلب توجه میکرد، آنها از ۱۰ تا ۶۰ ساله بودند و می‌خواستند خط فارسی را یاد بگیرند. به انستیتوی فارسی بخارا رفتیم، در هر دو جا استقبال گرمی از ما صورت گرفت، سئوالات زیادی مطرح نمودند و از ما خواستند که در دفاترشان شعر بنویسیم. و برایشان امضا بدیم، وقتی دخترهای انستیتو فهمیدند دوست من مجرد است بشوخی از وی خواستند که آنها را با خود به ایران ببرد دخترهای بخارا واقعا بیاموستند.

بخارا که زمانی، پایتخت سامانیان و مرکز فرهنگ و ادب فارسی بود، نقش تاریخی خود را از دست داده و طی ۷۰ سال اخیر نیز بخارا و سمرقند با ضمیمه شدن به ازبکستان، از لحاظ فرهنگی لطامات شدیدی را متحمل شده‌اند.

در اواخر دهه ۴۰ میلادی بخش اعظم مردم تاجیک زبان، را به زور و ادار نمودند که شناسنامه از یکی بگیرند و این عمل ضد مردمی تا سالهای اخیر نیز عملکرد دارد.

شورای نمایندگان خلق سمرقند در بهار سال ۱۳۶۹ پس از اجتماعات و اعتراضات متعدد مردم، تصمیم گرفت که اجازه داده شود، مردم شناسنامه‌های خود را تعویض نمایند.

شورای نمایندگان خلق سمرقند در بهار سال ۱۳۶۹ پس از اجتماعات و اعتراضات متعدد مردم، تصمیم گرفت که اجازه داده شود، مردم شناسنامه‌های خود را تعویض نمایند.

تاجیکها، خلقی فراموش شده، در اتحاد شوروی و جهان معاصر بودند که اکنون هزم خود را جزم نموده‌اند تا با پروستریکا آقای گارباچف، بار دیگر تدریفاً از آنجا رها شوند. استیلاگران عرب بر ایران تاختند و فرهنگ و ادب ایران، در شرف نابودی بود، سامانیان در بین‌النهرین بنای فرهنگ و ادب فارسی را با استواری برپا داشتند، رودکی سمرقندی، یکی از بزرگترین شعرای ایران، در این خطه ظهور کرد.

گویا بار دیگر، تاریخ تکرار میشود، اکنون در ایران، رژیم‌های استیز که با ایرانیان و تاریخ ایرانیان، دشمنی می‌ورزد، بر روی کار است. در سمرقند و بخارا و جمهوری تاجیکستان، ملتی بدافع از فرهنگ و ادب ایران بی‌خاسته است.

در شعر دوشنبه پایتخت تاجیکستان، مرکز فرهنگ و ادب ایران تاسیس گردیده است که "ریاست افتخاری آنرا دکتر احسان یارشاطر از اساتید ادبیات فارسی ایران به عهده دارد". در اکثر شهرهای ازبکستان، جمهوری همسایه تاجیکستان نیز مرکز فرهنگ و ادب فارسی شکل گرفته است.

به همراه دوستم از تاشکند به سمرقند رفتیم. در فروردگاه سمرقند وقتی به فارسی صحبت کردیم، با آغوش باز ما را پذیرا شدند.

از هر گوشه شهر صدای موسیقی ایرانی از بلندگوها بگوش میرسد، گوگوش، هایده، ستار، مهستی و دیگر خوانندگان ایرانی. برای خرید نوار تاجیکی به مغازه‌ای رفتیم، وقتی فهمیدند ایرانی هستیم، اصرار مابرای دادن پول نوار نتیجه‌ای نداد.

همه جا صحبت از این بود که، ما از هم دور افتاده‌ایم، ما یکی هستیم، یک تاریخ و یک فرهنگ داریم و یک خلق هستیم و این شعر را برای ما می‌خواندند:

هیچ شادی نیست آنرا این جهان بر تراز دیدار روی دوستان هیچ تلخی نیست، بر دل تلخ تر از فراق دوستان پرهیز هلاقه شدیدی به ایران دارند و تصورشان این است که ایران کشوری پیشرفته و بزرگ است، و مردمش از فرهنگ سطح بالایی برخوردارند.

برای آشنائی با چگونگی آموزش زبان فارسی، به انستیتوی تاجیکی سمرقند رفتیم. با مسئول انستیتو و سایر اساتید، به گفتگو نشستیم، آنها بسیار هلاقه‌مند بودند که با ایرانیها، و مراکز فرهنگی ایرانیان تماس منظم داشته باشند، تا بتوانند سطح دانش خود را بالا برده و کتب ادبی لازم را دریافت نمایند. مقالاتی را که در ارتباط جنبش فرهنگی سمرقند نوشته بودند، به ما دادند، تا برایشان در نشریات فارسی چاپ کنیم.

به مرکز نسخ خطی سمرقند رفتیم، در این مراکز کتب تاریخی بسیاری گردآوری شده که برخی از آنها از دوره سامانیان بجا مانده است، مسئولین مرکز که اغلب افرادی مسن بودند، از

گویا چنین خلقی وجود ندارد و یا اگر دارد، اهمیتی به آن نمی‌دهیم.

در پایان این گزارش امیدواریم که ایرانیان برادران تاجیک خود را فراموش نکنند.

لیما: ۶۹/۶/۲۱

* یک توضیح و درخواست ضروری: مراکز فرهنگی و انتشاراتی‌ها میتوانند کتابهایشان را به قیمت خوب در تاجیکستان به فروش برسانند.

و هم بعرض شده است، نیروهای گوناگون صف‌آرایی نموده‌اند، بر سر هر کلید و هر جمله که جنبه فرهنگی دارد، تا بر سر هر جریان سیاسی نبر ادامه دارد، و گاهی هم اوضاع متشنج میشود، تاکنون مردم آنطور که خود می‌گویند از این تشنجات سودی نبرده‌اند.

درک خواستهای آنها برای ما ایرانیان مشکل است، آنها ایران و مردمش را دوست دارند، اما ما ایرانیها آنها را فراموش کرده‌ایم،

تاجیکها، خلقی فراموش شده، در اتحاد شوروی و جهان معاصر بودند که اکنون هزم خود را جزم نموده‌اند تا با پروستریکا آقای گارباچف، بار دیگر تدریفاً از آنجا رها شوند. استیلاگران عرب بر ایران تاختند و فرهنگ و ادب ایران، در شرف نابودی بود، سامانیان در بین‌النهرین بنای فرهنگ و ادب فارسی را با استواری برپا داشتند، رودکی سمرقندی، یکی از بزرگترین شعرای ایران، در این خطه ظهور کرد.

گویا بار دیگر، تاریخ تکرار میشود، اکنون در ایران، رژیم‌های استیز که با ایرانیان و تاریخ ایرانیان، دشمنی می‌ورزد، بر روی کار است. در سمرقند و بخارا و جمهوری تاجیکستان، ملتی بدافع از فرهنگ و ادب ایران بی‌خاسته است.

در شعر دوشنبه پایتخت تاجیکستان، مرکز فرهنگ و ادب ایران تاسیس گردیده است که "ریاست افتخاری آنرا دکتر احسان یارشاطر از اساتید ادبیات فارسی ایران به عهده دارد". در اکثر شهرهای ازبکستان، جمهوری همسایه تاجیکستان نیز مرکز فرهنگ و ادب فارسی شکل گرفته است.

به همراه دوستم از تاشکند به سمرقند رفتیم. در فروردگاه سمرقند وقتی به فارسی صحبت کردیم، با آغوش باز ما را پذیرا شدند.

از هر گوشه شهر صدای موسیقی ایرانی از بلندگوها بگوش میرسد، گوگوش، هایده، ستار، مهستی و دیگر خوانندگان ایرانی. برای خرید نوار تاجیکی به مغازه‌ای رفتیم، وقتی فهمیدند ایرانی هستیم، اصرار مابرای دادن پول نوار نتیجه‌ای نداد.

همه جا صحبت از این بود که، ما از هم دور افتاده‌ایم، ما یکی هستیم، یک تاریخ و یک فرهنگ داریم و یک خلق هستیم و این شعر را برای ما می‌خواندند:

هیچ شادی نیست آنرا این جهان بر تراز دیدار روی دوستان هیچ تلخی نیست، بر دل تلخ تر از فراق دوستان پرهیز هلاقه شدیدی به ایران دارند و تصورشان این است که ایران کشوری پیشرفته و بزرگ است، و مردمش از فرهنگ سطح بالایی برخوردارند.

برای آشنائی با چگونگی آموزش زبان فارسی، به انستیتوی تاجیکی سمرقند رفتیم. با مسئول انستیتو و سایر اساتید، به گفتگو نشستیم، آنها بسیار هلاقه‌مند بودند که با ایرانیها، و مراکز فرهنگی ایرانیان تماس منظم داشته باشند، تا بتوانند سطح دانش خود را بالا برده و کتب ادبی لازم را دریافت نمایند. مقالاتی را که در ارتباط جنبش فرهنگی سمرقند نوشته بودند، به ما دادند، تا برایشان در نشریات فارسی چاپ کنیم.

به مرکز نسخ خطی سمرقند رفتیم، در این مراکز کتب تاریخی بسیاری گردآوری شده که برخی از آنها از دوره سامانیان بجا مانده است، مسئولین مرکز که اغلب افرادی مسن بودند، از

ایمان مرانجات بدهید

فرمانده فیدل

بقیه از صفحه آخر

آنها سراپا وجودشان از درون تکی شده بود آنها از چه کسانی می ترسیدند؟ رفیق کاسترو؟

ما شما را فاشانه و دوستانه دوست داشتیم. بخاطر مبارزه رمانیکتان، بخاطر ایده‌آلها، آنها را به ما بازگردانید. ما شیفته شما شده بودیم نه فقط بخاطر عملکرد دایتان بلکه بخاطر آینده زیبایی که شما به مردمان وعده داده بودید و همانطور به ما بگذارید ما دوباره شمارا باور کنیم...

کجاست امروز آن شور و حرارت آتشین گذشته، کجاست آن رومانیتیم؟ شاید شما بگوئید که ما پیر شده‌ایم، تغییر یافتیم... ولی رفیق فیدل، شما در میان شاگرد مدرسه‌ها هم نمیتوانید کسی را پیدا کنید که جزیره آزادی را شادمانه و بی‌اندازه باور داشته باشد، همانگونه که ما ۳۰ سال قبل آن را باور داشتیم.

تقریباً این صحبت‌هایی بود که من می‌خواستم در گفتگویی با فیدل کاسترو در میان بگذارم...

چقدر دلم میخواهد که فرمانده فیدل به من پاسخ گوید...

در ضمن آرزو دارم پاسخ‌هایی جهت سوالاتی که کوباییهای مغضوب، ناراضی و «مرتد» از من کردند، بیام. بعنوان نمونه:

فردی بنام «زمان سرنو» مسایل زیادی را برایم تعریف کرد: «زمان سرنو» جوانی با موهای خاکستری و صدایی آرام، تاجر، صاحب یک شرکت تولیدی و در همین حال نماینده سازمان حفظ حقوق بشر در کوبا است.

او تعریف کرد: «در فوریه ۱۹۸۹ دولت کوبا دو معلم جوان به نام‌های «لئونارد روبیومونالو» و «روبو تو پاگان دی‌آس» را دستگیر کرد. می‌خواهید بدانید که آنها را به چه جرمی متهم کردند؟ آنها روزنامه «مسکونیوز» را خوانده بودند و همسایه خود را نیز دعوت کرده بودند که بخواند و بعد در موردش بحث و گفتگو کنند. واقعا جنایت سنگینی است نه؟ مخصوصاً اگر بخاطر بیابوریم که در فوریه سال گذشته «مسکونیوز» هنوز در کوبا بطور رسمی ممنوع نشده بود. هر دو معلم در یک دادگاه قیصر علنی به ۹ ماه زندان محکوم شدند و آنها بعد از سپری کردن زندان علیرغم سابقه زیادی که در معلمی داشتند هر دو جزیره را ترک کردند.

فکر میکنم علت اینکه بلافاصله به آنها اجازه دادند کشور را ترک کنند، بخاطر این بود که میخواهند از دست آنها خلاص شوند چون هر دو آنها عضو فعال هر حزب زیرزمینی بودند که بخاطر حقوق بشر مبارزه می‌کنند.

میخواهم تاکید کنم که فاکت‌هایی که جهت دستگیری و اتهام به دو معلم ارائه شد این بود «به جرم فعالیت ضد دولتی» که در تمام رسانه‌ها حتی روزنامه‌های شوروی با سند و مدرک چاپ شد. روزنامه‌های بین‌المللی هم آن را با آب و تاب منتشر کردند. «ضمناً تذکر بدهم که «زمان سرنو» احتمالاً تصور می‌کرد که من با صحبت‌های او مخالفت خواهم کرد و خواهان ثابت کردن ادعاهایش خواهم شد، او یک سند آماده فتوکپی شده را همراه یک تکه روزنامه در این رابطه، به من نشان داد. اتفاقاً من هم هیچ دلیلی برای اعتراض نداشتم.

واقعا هم قیلا در کشور ما، همینگونه بود، بخاطر

یک جرم کوچک بیشترین اتهام را وارد می‌کردند. بنابراین هیچ مخالفتی نمی‌توانستم بکنم. به این خاطر من از «زمان سرنو» پرسیدم:

مبارزین حفظ‌حقوق بشر در کوبا چاه امدانی دارند و حقوق و وظایف سیاسی آنها چیست؟

او جواب داد: در میان مهاجرین کوبایی در آمریکا طیف‌های مختلفی وجود دارند. ولی جنبش ما در میان مردم شعرت زیادی دارد. ده‌ها هزار نفر طرفدار دارد، و اما اهداف ما چیست؟

ما قبل از هر چیز می‌خواهیم که دستگاه اداری ایالات متحد آمریکا مناسبات سیاسی خود را با کوبا مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهد. اگر واقعا آمریکا صادقانه می‌خواهد که کمک کند و تحولات مثبت در جزیره اتفاق بیفتد، بنظر ما باید از سختگیری زیاد خودداری کند، تحریم اقتصادی را لغو کند، مانورهای نظامی را در دریای کارائیب قطع کند، پایگاه‌های نظامی را در «گوانتانامو» و از سرزمین کوبا برچیند. در این رابطه ما امیدواریم با چنین تحولاتی، در داخل هم تغییرات در جهت مثبت انجام گیرد.

در بخش اقتصادی، ما از دمکراتیزه شدن آن و گذار به مناسبات بازاری و اشکال مختلف مالیکیت دفاع می‌کنیم. بنظر می‌رسد که نمی‌توان دستاوردهای اجتماعی ۳۰ ساله اخیر در کوبا را ندیده گرفت. باور کنید، در میان مهاجرین کوبایی شما افراد بسیار کمی را می‌شناسید که آرزوی کوبایی قبل از انقلاب را داشته باشند، اکثریت آنها خواهان آن هستند که کشور خود را با قدرت و مستقل ببینند. ولی برای این منظور به اقتصاد رشد یافته احتیاج هست. آیا واقعا می‌توان در شرایطی که آزادی وجود ندارد به تولید سطح بالادست یافت؟

من با شنیدن این صحبت‌ها نمیتوانستم کمترین شکی در مورد دشمنی «زمان سرنو» با جزیره آزادی، انقلاب کوبا و مردم کوبا داشته باشم. از نظر کوبایی‌ها - او دشمن جانی است. از طرف دیگر پذیرش این مساله برای من بسیار سخت بود که چه خطری انقلاب کوبا را از طرف مادر پیر آن تاکسی ران بنام «خولیو» که در زیر برایتان تعریف می‌کنم تهدید می‌کند.

من در فاصله بین میامی تا فرودگاه با او آشنا شدم او میخواست مرا به فرودگاه برساند. در فاصله بین راه به مسایل زیادی پرداختیم. من از او سوالی کردم: کسی از فامیلیات در کوبا مانده است؟ او آه سختی کشید و گفت: فقط ما درم.

چادرت را می‌بینی؟

- در عرض ۳۰ سال، ۳ بار او را دیدم چونکه من در میامی زندگی می‌کنم.

- چرا اینقدر دیر به دیر، مگر در رابطه با پول مساله دارید؟

- نه، در مورد پول کم و بیش مساله‌ای وجود ندارد، می‌روی به کنسولگری کوبا، اسناد را ارائه میدهی جهت اجازه‌نامه، ۶ ماه منتظر می‌مانی - اجازه نمی‌دهند، بعد از دو ماه، دوباره می‌روی، دوباره اجازه نمی‌دهند، به همین شکل زمان می‌گذرد، فقط در تمام این مدت ۳ بار اجازه دادند.

- من از او پرسیدم: ما در شما پیش شما می‌آید؟ بلافاصله متوجه شدم که بنطاب دادم.

- او پرسید: سینور شما کجایی هستید؟

- جواب دادم: مرکزی‌ام برای کارهای دیپلماتیک آمده‌ام.

او گفت: آهان - آنها شما تا تقاضا بدهید سریع جواب میدهند - ولی طبق قوانین کوبا، به سادگی به همه جواب نمی‌دهند یکماه قبل دوباره برای گرفتن

غیرفارس بزنند و آثار قدیم و جدید شعرا و ادبا و نویسندگان غیرفارس را ورق بزنند. قطعا این آشنایی می‌تواند به فتا و توسعه فرهنگ و هنر و ادبیات فارسی و دست اندرکاران فرهنگ و هنر و ادبیات بسیار کمک کند.

احمد شاملو که این روزها بخاطر دفاع از ضحاک مورد غضب عده‌ای واقع شده و یک شبه از چشم ایران ارزش از کف رفته، جز اولین کسانی است که یک واقعیت را بیان کرده و آن اینکه «فرهنگ و ادبیات ایران ساخته مشترک همه ملل ایران است» هر چند ایشان هم تاکنون در جهت آشنایی با این دیگر ملل گامی برنداشته است.

اگر ادبا و شعرا و هنرمندان می‌خواهند هنر و تاریخ و ادبیات ایرانی را بهتر بشناسند بدور از شوینسم پیر در این سرزمین باید به مجموعه ملل آن توجه کنند و واقعیت زنده آنها را در همه عرصه‌ها بپذیرند و ایران بدون تاریخ، فداکاری، اقتصاد، فرهنگ و ادبیات و جغرافیای همه ملل ساکن در آن و بدون حقوق برابر میان آنها، بدون اشتراک در همه عرصه‌ها از جمله حکومت، ایرانی است غیرآزاد و دموکراتیک، و ادبیات و هنر نیز همچنین.

۱۹ سپتامبر ۱۹۹۰
آلمان ندرال بهرام موکریانی

اجازه، مدارکم را دادم شاید او را برای آخرین بار ببینم، آخر او اکنون بیش از ۷۰ سال دارد... چرا خودم را معرفی نکردم که روس هستم؟

تازه گیجا قبل از رفتن به میامی به گرانا را رفته بودم، به جزیره کارائیب با ۱۰۵ هزار نفر جمعیت که در سال ۱۹۸۳ آمریکا به آنجا حمله کرد. در آنجا هم هویت خودم را مخفی کردم. نه از ترس - مهربانتر، صمیمی تر و دوست داشتنی تر از گرانا دایی‌ها در هیچ کجا نمی‌توان یافت - بلکه بخاطر حماقت شوروی و کوبا که بر اساس یک سری دلایلی که بزعم خود منطقی بودند، تلاش داشتند قبل از تجاوز آمریکا به گرانا، در عرض ۴ سال در آنجا سوسیالیزم بسازند، من از این حماقت شرم داشتم.

در سال ۱۹۷۹ در جزیره گرانا کودتایی صورت گرفت، که هیچ آدم هائلی نمی‌تواند بفهمد چرا آنرا یک انقلاب مردمی ضد امپریالیستی با چشم انداز سوسیالیستی نامیدند؟

در آنجا ابتدا کنسولگری شوروی و کوبا دایر شد و بعد از آن مشاورین شوروی و کوبایی پیدا شدند... و ماجرا آغاز شد. دیکتاتوری بوجود آمد، البته نه دیکتاتوری بوجود آمد، البته نه دیکتاتوری پرولتاریا، چونکه در آنجا اصلا پرولتاریایی وجود نداشت. فقط یک حزب، تمام سنتهای پارلمانی که از زمان انگلیسی‌ها به ارث رسیده بود همه به خاک سپرده شدند. به مقیاس احمقانه‌ای در جزیره، ارتش و پلیس بوجود آمد، همه گرانا دایی‌ها تصور کردند که باید از یک نفر اطاعت کنند، آنهم رهبر حزب که حکومت می‌کرد. کشور باید پیشرفت می‌کرد. هرگونه بحث و انتقادی در مورد کشور بعنوان حرکت ضد انقلابی محسوب می‌شد... نمی‌خواهم به جزئیات بپردازم، چون خوانندگان خود احتمالاً با آن آشنایی دارند.

در مقابل «خولیو» راننده تاکسی، از اینکه در بدختی‌های او بطور ناخواسته شریک بودم احساس خجالت می‌کردم. «زمان سرنو» «سینور» «خورجه ماس - کانوسا» نیز مصرانه و با انرژی مانند یک سخنران ماهر، صحبت می‌کرد، او ریاست صندوق ملی کوبایی - آمریکایی را بعهده دارد، همچنین رئیس شورای مشورتی رادیو - تلویزیون «مارتی» است در همین حال «خورخه» هملا رهبر اپوزیسیون کوبایی و کلا شخص بسیار موثری است.

او گفت: «جریان فساد در تمام مدارج حکومتی در کوبا آنچنان همیق و برگشت ناپذیر است که به سادگی قابل اصلاح نیست».

اما کمکهای اقتصادی و نظامی شوروی همچنان به کوبا ادامه دارد.

- هم صحبت من تاکید می‌کند که: «مرا خوب درک می‌کنی؟ ما مخالف منافع طولانی مدت شوروی در کوبا نیستیم. ما نمی‌خواهیم به او ضرر برسانیم. ما فقط میخواهیم که شوروی رابطه اقتصادی طبیعی خود را با کوبا همانگونه گسترش بدهد که با دیگر کشورهای جهان رابطه دارد. لطفاً بگوئید آیا واقعا شما تولید اضافی در زمینه مواد غذایی، لباس، مواد خام، تکنیک، مواد (منابع انرژی) دارید که اترابه مقدار وحشتناکی به کوبا می‌فرستید؟ بله، بله، نخندید! ما نگران وضعیت رفاهی مردم و رفهم در شوروی هستیم چونکه بدون نوسازی، آن مسایلی که ما برایش تلاش می‌کنیم امکان پذیر نیست...»
- برای حل چه مسایلی شما تلاش می‌کنید؟ سینور ماس-کانوسا؟
- ما برای دیالوگ و همچنین راههای قابل قبول جهت منافع دو کشور تلاش می‌کنیم.
- ما کوبایی‌های تبعیدی، آماده مذاکره جهت کار دیپلماتیک دقیق بخاطر دستاورد... توافق هستیم.
- این فیدل کاسترو است که نمی‌خواهد مذاکره صورت بگیرد. او قاطعانه خواهان مبارزه تا آخرین قطره خون بادشمنان خارجی است. من فکر می‌کنم او احتیاج دارد که همیشه دشمن داشته باشد تا مردم

میاخائل بلیات
خبرنگار مخصوص IAN

استثناس و نه بیشتر. تنها تجربه تلخ خود اکثریت باید بوی آموخته باشد که این احتمال فقط می‌تواند یک حالت استثنائی و نادر باشد و پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی جز از راه یک انقلاب مردمی میسر نخواهد بود...

انقلابات محصول رشد تضادهای عینی اجتماعی هستند و زمانی که این تضادها بعد کافی بلوغ یافته باشند علیرغم میل و اراده این سازمان با آن حزب انقلابات فرا می‌رسند. این درست است که چه بسیار انقلاباتی که بعد از مسیر خود خارج گشته و به سنگلاخ کشیده شده‌اند و بجای آزادی و رهائی، اختناق و سرکوب توده‌ها را در پی داشته‌اند، اما اینهم حقیقتی است که دمکراسی در هیچ نقطه جهان بدون یک انقلاب و واقعات توده‌ای دوام و بقائی نداشته است، اینرا تجربه جهانی تأیید می‌کند. این وصف، این درسی است که کنگره اکثریت (و متأسفانه آنهم هموم نمایندگان کنگره) گویا هنوز آنرا نیاموخته است. کنگره اکثریت با شدت از گذشته بخاطر پایمال کردن دمکراسی و حمایت از استبداد انتقاد کرد ولی باز بیم آن می‌رود که تجربه گذشته بار

میاخائل بلیات
خبرنگار مخصوص IAN

بقیه از صفحه ۳
مقاله در ادامه خود به نقد شعار «پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی» پرداخته و در دفاع از شعار سرنگونی رژیم نوشته است «اولا شعار سرنگونی بمعنای مطلق کردن عنصر قهر نیست، بلکه بدین معناست که علی القاعده جمهوری اسلامی با اعمال قهر می‌تواند بزیور کشیده شود. این را تجربه و شناخت نشان داده است و کسیکه چشمی برای دیدن و گوشی برای شنیدن داشته باشد این حقیقت را تصدیق می‌کند. اما این حقیقتی است نسبی، میتوان وضعیت بین المللی و داخلی کاملاً خوددیژه‌ای را در نظر گرفت که در آن رژیم مجبور به صرف نظر کردن از بکارگیری نیروی قهر علیه مردم باشد و در نتیجه قدرت سیاسی بشیوه مسالمت آمیز مردم منتقل شود. چنین احتمالی را نمیتوان بطور مطلق رد کرد ولی مسلماً چنین احتمالی در جمهوری اسلامی فقط یک

خبرها و نظرها

اولین کنگره اکثریت

بقیه در صفحه ۴

پیرامون ترنندهای کیهان هوایی

اول تلاش می‌ورزید که مبارز کاپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی را کم‌اهمیت جلوه داده و به تفرقه و جدائی در میان آنها دامن زنند.

مزدوران قلم بدست رژیم که بعضاً وابسته به بخش‌های مختلف ارگان‌های امنیتی رژیم هستند، وظیفه دارند که عملیات تحریک آمیزی را علیه احزاب ترقیخواه سازمان دهند. در همین حال سران رژیم سعی می‌کنند با نشر این هفته نامه در خارج از کشور تصویری دمکراتیک از خود ارائه دهند و وانمود نمایند که تحمل نظرات گوناگون را دارند، در همین ارتباط در نشریه کیهان هوایی مباحثی به میان کشیده می‌شود که در نشریات داخلی به هیچ وجه خبری از آن نیست.

اگر رژیم دوره ریاکار و مزدور نیست می‌تواند کیهان هوایی را برای فروش به بازار داخلی عرضه دارد تا سیه روی شود هر که در او فاش باشد.

من فکر می‌کنم این روزنامه با همین شکل و شمایل و مباحثی که در آن مطرح می‌گردد می‌تواند برای خود در داخل مشتریان زیادی فراهم آورد و دیگر ضرورتی هم، به توزیع مجانی آن نخواهد بود.

از میان رسانه‌هایی که توسط رژیم جمهوری اسلامی چاپ و منتشر می‌شود، کیهان هوایی نسبت به همه آنها جایگاه ویژه‌ای دارد.

در شرایطی که اغلب روزنامه‌های داخلی از کمبود کاغذ می‌نالند و هشدار می‌دهند که هر آن ممکن است روزنامه‌شان چاپ نشود، کیهان هوایی در صفحات زیاد و در تیراژ وسیع و بطور مجانی برای همه آنهاست که آدرسشان در اختیار بخش فرهنگی سفارتخانه‌های رژیم در خارج از کشور قرار دارد فرستاده می‌شود.

کیهان هوایی بخشی از اخبار سانسور شده در مطبوعات داخلی را درج می‌نماید و هم چنین اخبار مربوط به احزاب اپوزیسیون را در این روزنامه می‌توان یافت.

رژیم در مورد توزیع داخلی این نشریه آن چنان حساسیت نشان می‌دهد که هر روز پس از خارج شدن از زیر چاپ کلیه اوراقی که نمی‌تواند به دلایل فنی و چاپی مورد استفاده قرار گیرد توسط ساواک رژیم جمع‌آوری و تحت نظارت آنان سوزانده می‌شود.

تئوریسینهای رژیم در هرصه مبارزه با احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون بطور منظم مباحثی را در این نشریه سازمان می‌دهند

لاتینی و از سال ۱۹۴۵ بر پایه حروف روسی با کمی تغییر به اضافه چند حرف خاص لاتینی، تغییر یافت.

بر همین اساس جمعیت ۲۵-۳۰ میلیونی کردهای خارج از شوروی به مسائل روحی معنوی و آیینی و... کردهای شوروی آشنایی ندارند. بدین ترتیب یکی از مسائل مبرم امروز تبدیل الفبای حروف لاتین است که کمک زیادی به فنی کردن و تبادل فرهنگ میان خود کردها خواهد داشت.

مسئله کردهای شوروی امروز باز هم مشکل است منظور حوادثی است که در آذربایجان و ارمنستان اتفاق افتاد و زدوخوردهایی است که بین آنها صورت گرفته است باید اعتراف کرد که عدم رشد خودآگاهی ملی خلق کرد تا اندازه‌ای باعث بهره‌برداری عناصر تندرو و افراط گرانی که می‌خواهند کردهای شوروی را بر اساس ملائم مذهبی (منظور کردهای مسلمان و یزدی- م) آنها تقسیم کنند می‌شود. باید هشیار بود و از آن جلوگیری کرد.

ما امیدواریم که سیاست ملی حزب کمونیست شوروی به ما در مورد برداشتن تضاد و موانع کمک کند و آزادی و پیشرفت همه خلق‌های شوروی را در این کشور پهن‌تر و گسترده‌تر نماید. این امید در بین کردها زنده است.

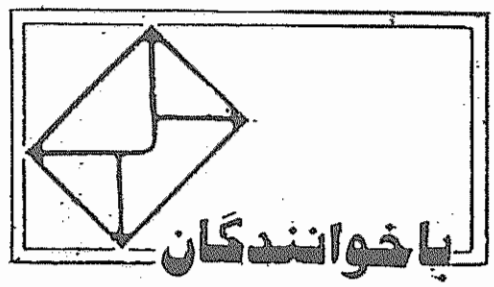
میکردند و کتابهای درسی، سیاسی، ادبی و مترجم به زبان کردی چاپ می‌شدند. ادارات و موسسات منطقه کردنشین به طور هادی کار می‌کردند.

در سالهای سی هجده کارها و امور برای اهالی کردنشین از حرکت باز ایستادند. از جمله به کار بردن کلمات کردستان شوروی و کردو... ممنوع گردید و از تعداد ساکنین کرد در منطقه به طور روزافزون کاسته شد.

تضییقات و تبعید در سالهای سی بدانجا رسید که سرشماری کردها و دیگر خلق‌ها از قلم افتاد. تحلیل جبری کردها شدت گرفت. یکی از عوامل تحلیل جبری تبعید اجباری کردها در سال ۱۹۳۷ از آذربایجان و ارمنستان و در سال ۱۹۴۴ از گرجستان به جمهوری‌های آسیای میانه و کازاخستان بود.

برای بازسازی فرهنگ ملی، زبان و تاریخ احتیاج به حل مسائل زیادی است. متأسفانه کردهای شوروی به منابع ادبیات کردهای کردستان که با حروف لاتینی و عربی نوشته می‌شوند دسترسی ندارند و از طرفی دیگر کردهای شوروی این حروف را نمی‌دانند.

در شوروی حروف کردی در ۱۹۲۱ کردها تعیین گردید. این حروف در آغاز بر اساس حروف الفبای ارمنی بود که از سال ۱۹۲۷ بر اساس الفبای



مسئله ملی کردهای شوروی

در طول صدها سال کردها با آذربایجانی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها در اماکن نوبا هم زندگی کرده‌اند از انقلاب اکتبر استقبال کردند و در استقرار آن سهم داشتند.

سال ۱۹۲۳ کردها در شش منطقه آذربایجان بطور مترکم زندگی می‌کردند. به درخواست لنین و تصمیم شورای کمیسریای خلق یک ناحیه در آذربایجان برای اسکان آنها تعیین گردید و بعد از آن منطقه ملی خودمختار کردستان که مرکز آن لاجین و سپس شهر شوش بود تشکیل گردید. در لاجین روزنامه‌های به زبان کردی به نام (کردستان شوروی) منتشر می‌شد و در شوش آموزشگاه علوم تربیتی گردی افتتاح شد، برنامه‌هایی به زبان کردی پخش می‌شد و کودکان به زبان مادری خود تحصیل

نادر - نادرین عضو آکادمی کازاخستان شوروی مقاله‌ای در مورد مسئله ملی کردهای شوروی نوشته است که در پروادای ۱۳ ژوئن به چاپ رسیده - دوست عزیز ما شریف برگردان این مقاله را همراه با قطعنامه کنفرانس علمی سراسری کردهای شوروی برای ما فرستاده است. بخشهایی از مقاله فوق که می‌تواند به آگاهی خوانندگان از وضعیت کردهای شوروی و مشکلات آنها کمک کند، در زیر درج می‌شود.

متأسفانه برگردان فرستاده شده تیتراژ دارد و تیتراژ مقاله را ما خود انتخاب کرده‌ایم.

در آغاز قرن نوزدهم بعد از جنگ اول روسیه و ایران قسمتی از کردهای کردستان جدا شده از ایران و ترکیه در مناطق مختلف ماوراء القفقاز و روسیه ساکن شدند.

رهبر ارکستر و آهنگ ساز مشهور امریکائی، لئونارد برنستاین در گذشت

'زیبایی حقیقت است حقیقت همان زیبایی است'

گرهائی موسیقی را در فضا می‌پراکنند. پشت حرکات شگفت‌انگیز برنستاین برای رهبری ارکستر، که بی‌شبهت به حرکات آکروباتیک نبود، قدرت زندگی، هنر تجسم و تفهیم، و مهم‌تر از همه، آگاهی از معماری و تاریخ موسیقی نهفته بود. او آمیزه توانایی‌هایی را که در خود داشت با قدرت ویژه‌ای در مسیر کارهای هنریش هدایت می‌کرد.

برنستاین کارهای پیشینیان را نه تنها اجرا می‌کرد، بلکه آنها را تکامل نیز می‌داد. او در درک زیبایی با موزارت هم نظر بود و می‌گفت: "زیبایی حقیقت است و حقیقت، همان زیبایی است..."

و همین حقیقت در همه آثار برنستاین نقش بسته است. احساس زندگی و تحسین زیبایی را به شکل بارزی در آثار او می‌توان مشاهده کرد: سنفونی‌های "جرمیا"، "دوران اضطراب" و "کاد دیش" همچنین اپراهای معروف او "Trouble in Tahiti"، "Candide" و "A Quiet Place".

بیانگر روحیات و خصوصیات برنستاین هستند. شناخته شده‌ترین اثر لئونارد برنستاین موسیقی فیلم معروف "داستان وست ساید" است. شهرت جهانی فیلم داستان وست ساید مدیون موسیقی پرارزش و در همین حال همه فهم این فیلم است.

در هفته گذشته رسانه‌های گروهی به مناسبت درگذشت این آهنگساز بزرگ نوشته‌ها و مطالب و برنامه‌های ویژه‌ای به معرفی او و آثارش اختصاص دادند. با مرگ لئونارد برنستاین جهان موسیقی یکی از نوابغ خود را از دست

شخصیت هنری او بود. او در برلین سنفونی شماره ۹ به‌توان را آنگونه خلّاق و پرشور به اجرا در آورد که همگان مسحور قدرت رهبری و شور هنری او شدند.

هنگامی که برنستاین رهبری یک ارکستر را عهده‌دار می‌شد، همانند یک دانش‌المعارف موسیقی در اختیار اعضای ارکستر قرار می‌گرفت. ابتدا اعضای ارکستر را با جزئیات دقیق اثری که می‌بایست به اجرا در آید آشنا می‌کرد، و آنگاه با تکاپو دانش همیتی که از موسیقی داشت به رهبری ارکستر می‌پرداخت. آنگاه بود که شعله‌های موسیقی، او و نوازندگان را فرا می‌گرفت و

را با پنجه‌های هنرمند خویش می‌نواخت و استادی بود که ارکسترهای جوان را آنگونه آموزش می‌داد که در کارهای هنریشان مستقل باشند و روی پای خود بایستند.

لئونارد برنستاین در قلب بخش وسیعی از مردم جهان جای داشت، چرا که او در موسیقی نظریه پردازی بود که نوشته‌ها و آثارش در همین داشتن ارزش‌های آکادمیک بالا، برای مردم هادی نیز جاذبه‌های بسیار داشت. اجرای کم نظیری که ارکستر تحت رهبری او، پس از فروریزی دیوار برلین، در شهر برلین داشت، نشانه بارزی از ویژگی

لئونارد برنستاین رهبر ارکستر و یکی از نوابغ جهان موسیقی درگذشت. شب دوشنبه هفدهم اکتبر، در نیویورک، به دنبال بیماری مجاری تنفسی، قلب برنستاین از کار ایستاد. او ۷۲ سال داشت.

او قلب‌های مردم جهان معاصر را چه بسا که بیش از پشتیبانی چون فورت ونگلر، توسکانینی و کارایان تسخیر کرده بود. چرا که او نه تنها پشت‌پایه نوت، جادوگری شکوهمند بود، بلکه آهنگسازی بود که آثارش را خود و بلاواسطه به اجرا در می‌آورد. همچنین او پایانستی بود که دسترنج هنریش



جهان سوم، رشد دموکراسی و اقتصادی

مسائل و مشکلات ما را به بیراهه می‌برد.

البته توجه به مسائل و مشکلات اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین نباید روحیه یاس و بدبینی را در میان هموطنان ما ایجاد نماید، چرا که نمونه‌های مثبت زیادی در دنیا وجود دارد که می‌تواند سرمشق ما باشند. کشورهای آسیای جنوب شرقی خصوصاً کره جنوبی و تایوان از جهت رشد اقتصادی و صنعتی و اتمانه‌های خوبی برای ما هستند. (قابل توجه است که شرکت‌های مقاطعه‌کاری کره جنوبی شروع به کمک به امر بازسازی بعضی از مراکز بزرگ صنعتی ایران نموده‌اند، از جمله گاز کنگان و پتروشیمی شیراز و شاید در آینده احتمالاً پتروشیمی بندر شاهپور).

شاید رمز موفقیت کشورهای آسیای جنوب شرقی ترکیب درست فرهنگشان با صنعت جدید بوده‌است. تعدادی از کشورهای صنعتی اروپا از جمله سوئد و خصوصاً فنلاند که سابقه صنعتی زیادی ندارند و تا ۵۰ سال پیش در فقر بسر می‌بردند، نیز می‌تواند نمونه‌های خوبی جهت مطالعه ما باشند.

سهیل مرادی از سوئد چند مقاله کوتاه زیر عنوان، چند نکته، برای ما فرستاده است که یکی از آنها را در این شماره به چاپ می‌رسانیم.

جهان سوم، رشد اقتصادی و دموکراسی

چند وقت پیش مقاله‌ای در مورد آرژانتین و برزیل خواندم. در آن مقاله مسائل و مشکلات این کشورها از جمله قطع مکرر برق، کمبود مواد غذایی، بیکاری، کمبود ارز خارجی، تورم چندین صد در صدی و... ذکر شده بود. بی‌اختیار به یاد شباهت مشکلات خودمان با کشورهای آمریکای لاتین افتادم و ناگهان این فکر در من القا شد که آنها که هم‌اکنون دموکراسی دارند، پس چرا هر روز وضعیتان بدتر می‌شود، آخر مگر مانه بر این باور بودیم که دموکراسی درمان تمامی درد‌های ماست و اگر این آخوندهای لعنتی بروند تمام مشکلات مردم حل می‌شود و هر روز به خود می‌گوییم چرا مردم اینجا را بیرون نمی‌کنند. به نظر من نیز آزادی و دموکراسی یکی از پیش شرط‌های هر کار مثبتی در ایران است ولی عدم توجه به هم

'پدیده جدید' همسر با فکر ملایان

پژوهشگر (!) در ورق پاره‌اشان (که البته سعی می‌کنند این ورق پاره را با هزاران شگرد به نشریه ایرانیهای خارج از کشور تبدیل کنند و از آن در سمت و سو دادن افکار مخالفین و بدست آوردن آدرس مخالفین در تمام جهان استفاده کنند) نقل می‌نمایند.

بعد از این توضیحات حال برای من این سوال پیش آمده که گریم استفاده از کراوات (شما ملایان مخالف آن هستید چونکه ریشه غربی دارد) اختلال در گردش خون به وجود می‌آورد پس استفاده از همامه که بخش حساس

به تازگی در شماره ۸۹۱ کیهان هوایی خبری به نقل از "پژوهشگران پزشکی اروپا و آمریکا" (؟) منعکس شده که مضمون آن چنین است:

"استفاده از کراوات اختلال در گردش خون بوجود می‌آورد."

با پیدایش "حکومت عدل ملی" و "اسلام ناب محمدی" در ایران - که تاکنون بر کسی (حتی خود ملایان) مشخص نشده معنی این جملات فریبنده یعنی چه؟ - حکومت ملایان هر کشف تازه‌ای (!) را که با افکار متحجرشان مخوانی دارد به نقل از این یا آن

سه دوک تو در گذشت

سیاستمدار ویتنامی و برنده جایزه صلح نوبل "سه دوک تو" شنبه ۱۳ اکتبر در سن ۷۹ سالگی درگذشت.
"تو" طرح اصلی سیاست صلح دولت ویتنام شمالی در مذاکرات صلح باید با دولت آمریکا بود. "تو" در سال ۱۹۷۳ به همراه هنری کیسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا به خاطر برقراری آتش بس در ویتنام برنده جایزه صلح نوبل شد ولی از گرفتن آن به خاطر این که صلح واقعی هنوز برقرار نبود، سر باز زد.



کامبوج: اجرای طرح صلح سازمان ملل متحد

خواست بر سر مسله کرسی نمایندگی کامبوج که تاکنون خالی مانده است، راه حل منطقی و قابل قبولی ارائه دهند.
پنج عضو دائمی شورای امنیت از ادامه جنگ در کامبوج که اخیراً شدت کم سابقه‌ای به خود گرفته است، ابراز نارضایتی کردند.

نیروهای اپوزیسیون اداره شود. در طرح سازمان ملل پیش بینی شده که امر خلع سلاح طرفین درگیر و اجرای آتش بس با نظارت نیروهای صلح سازمان ملل اجرا شود.
همزمان نشست عمومی سازمان ملل از قرارداد مورد توافق اپوزیسیون و دولت کامبوج استقبال کرد و از آنها

نشست عمومی سازمان ملل متحد از نیروهای درگیر در کامبوج خواست بلادرنگ طرح صلح سازمان ملل متحد را عملی کنند. پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد ۲۸ آگوست توافق کردند که تازگیاری انتخابات آزاد کامبوج توسط شورای ملی متشکل از دولت کامبوج و

رفیق کاسترو، من با شنیدن سخنرانی شما شروع کردم به آموزش زبان اسپانیایی، آن هم در شرایطی که ساعتها وقت صرف می‌کردم بدون اینکه یک کلمه از آن را بفهمم. سخنان شما تا اعماق قلبها نفوذ میکرد. من در کلمات شما گرما احساس می‌کردم و انبوهی از خون انقلاب را می‌دیدم.
اما بعد... بعد من به کوبا آمدم و در آنجا همان چیزی را دیدم که ما طبق عادت آن را سوسیالیزم می‌نامیدیم. هر بار انگیزه و شور و شوق من فروکش کرد. آب شد. من دخترانی را دیدم که بوسیله خارجیان شکار می‌شدند، "کار می‌کردند" نه فقط بخاطر ارزش زیادی که بدست می‌آوردند، بلکه بخاطر یک شیشه عطر، یک جوراب شلواری یا یک شلوار لی... من انسان‌های عصبی و خسته‌ای را دیدم که در هاوانا دنبال ابتداتی‌ترین نیازهای زندگی خود بودند. شعارهای چسبیده به دیوار ترک خورده‌ای را دیدم که به عنوان فراخوان دیگر توجه هیچکس را جلب نمی‌کرد و نمی‌توانست توجه کسی را جلب کند و رسانه‌های گروهی با پافشاری و خشونت چهره یک نفر را - در اذهان مردم درخشان جلوه میدهند شما را، رفیق عزیز فیدل کاسترو.

نه، نه، من به مسایل بسیار خرد و ریز توجه کرده‌ام. آموزش و پرورش و پزشکی مجانی، توجه دولت به کودکان و پیران، صنعت عظیم، ورود مواد خام و تکنولوژی، پیروزی در ورزش‌های جهانی و در مورد مسایل فرهنگی همه اینها واقعیاتی هستند و سیله‌ای جهت تأیید شخص شما... ولی آخر بدبختانه زندگی ما به مسایل خرد و ریز بسته است. آنها روزانه ذهن ما را به خود مشغول می‌کنند و ما در مورد زندگی و خوشبختی بحث و گفتگو می‌کنیم ما حاضریم بدون استراحت و با تحمل گرسنگی و محرومیت و یا حتی بدون سرپناه راحت بخاطر ایده‌مان مبارزه کنیم ولی نه ۷۰ سال و ۳۰ سال هم

رفیق فیدل، شما به خوبی میدانید که در مدت این ۳۰ سال بیش از ۲ میلیون نفر کوبا را ترک کرده‌اند. این ۱/۵ جمعیت فعلی جزیره آزادی است. این برای شوروی در مقایسه با شما بیش از ۵۰ میلیون نفر است. این خود یک تراژدی ملی است. رفیق کاسترو، با همه علاقه‌ای که به شما و کشور شما دارم نمیتوانم باور کنم که همه فراری‌ها دشمن جانی، ضدانقلابی، دشمنان اصلاح ناپذیر و کسانی هستند که آرزو می‌کنند انقلاب به تعهت ابر گردد...
در میان مسایل خرد و ریزی که اشاره شد، من سلطه دستگاه حزبی را دیدم و کارمندان بوروکرات را که با پولهای کلان، در بهشت برین، در سوسیالیزم شخصی زندگی میکردند.

در کوبا، در مقارنه‌های دیپلمات‌های خارجی که ارز خرید و فروش میشود، فهرست اسامی مسئولین محلی خیلی کمتر از خارجیان نیست.
در سال قبل شما یکی از قهرمانان و انقلابیون به نام "ژنرال گیلر-مواچو" را به جرم قاچاق مواد مخدر و ظلم و جور تیرباران کردید. آیا این نمونه می‌تواند درسی باشد برای بوروکرات‌ها؟ آیا ممکن است همه آنها را تیرباران کرد؟
در مارس سال گذشته، در هاوانای قدیم، در قلعه "مورو" دو جوان وقتی فهمیدند که من روس هستم پیش من آمدند و گفتند: کشور ما هم به چنین تحولاتی که در شوروی جریان دارد احتیاج دارد.

بقیه در صفحه ۶

ایمان مرانجات بدهید! فرمانده فیدل

"لیتراتور تایگازتا" ارگان اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی ۱۹۹۰ اوت ۲۹ ترجمه از م شفیعی

مدتی قبل گذارم به میامی افتادم. در میامی به شهر فلوریدا، شهری که "ولگردان" - انگها، بانديستما و بچه‌های حریص و گرسنه و ضدانقلابیون - کوبایی در آن زندگی می‌کنند تعداد آنها اکنون از میلیون هم گذشته است...
تنگه فلوریدا، جزیره آزادی را از آتش جهنم امپریالیست‌های کندی و آنگاه پروانه‌های اطراف آتش می‌مانند. آنها برای چه تلاش می‌کنند؟ چه کسانی آنها را به آن سو می‌رانند؟
من تردید کرده‌ام و مجبورم واقعیت را بنویسم. هر بلوایی که می‌خواهد ایجاد شود، من به آزادی شک دارم هر گاه آزادی هزاران نفر را از خود براند.
من ۳۰ سال بدون قید و شرط با شادی و بدون لحظه‌ای درنگ آزادی را باور داشتم. ولی اکنون - شک دارم... صادقانه میگویم، من به میامی آمدم نه به خاطر اینکه با "ولگردان" - کسانی که دیگر نه راه پس دارند و نه راه پیش - گفتگو کنم در این رابطه هیچیک از تبلیغات آنها مرا تحت تاثیر قرار نداد. آنها فقط از من سوالاتی کردند و ایمان من هر چه پائین و پائین تر آمد تا زمانی شد.
تنها کسی که با تمام نیرو می‌تواند ایمان مرانجات دهد فرمانده فیدل کاسترو است.

چندین بار برایم پیش آمد که از نزدیک فیدل کاسترو را ببینم. هر بار فکر دیوانه‌واری به مغزم خطور می‌کرد: پیش خود می‌گفتم، آیا اگر میان ما ناگهان سکوتی برقرار می‌شد، من صحبت‌های آرام شبانه را با او در میان می‌گذاشتم؟... در رابطه با زمان و مکان مشخص، خطوط مختلفی در ذهنم ترسیم می‌شد. در پیش خود می‌گفتم: فیدل کاسترو! رفیق عزیز، فیدل کاسترو، ما چقدر تو را دوست داشتیم، شما انسان‌های قوی و دل‌اوری که در یک جزیره دور افتاده رمانتیک، انقلابی را بوجود آوردید. آن زمان انقلاب شما به نظر همه چقدر مسرت بخش و روشن می‌آمد؛ دافتر از خورشید، زیباتر از سیارات، دریا، هوای آزادی و چهره هاواناییها... و ما چه پر شور و پر شوق نام شما را فریاد می‌زدیم - فیدل کامیو چه گوارا...
ما شما را دوست داشتیم! نه، بیشتر از آن - ما شما را می‌پرستیدیم و در مقابل شما زانو می‌زدیم.
زمانیکه انقلاب کوبا پیروز شد، من ۹ ساله بودم، قرار بود هیئتی از جوانان کوبایی به مدرسه ما بیایند، ما، مارش "۳۶ ژوئیه" را یاد می‌گرفتیم. مادران ما با شتاب عجیبی گل زیتون را به روی پیراهنهای ما که پاکون هم داشت می‌دوختند. خدای من - چقدر ما به شما افتخار می‌کردیم، هیچکس ما را وادار نمی‌کرد که ساعتها بعد از درس، ملاقات را تمرین کنیم. ما خود بلافاصله بعد از زنگ، به طرف سالن تمرین، پرواز می‌کردیم. ما از فرور و تکبر دچار هیستری شده بودیم. نسبت به حشرات که می‌پریدند احساس برتری می‌کردیم، ولی ناگهان از مدرسه بغلی شنیدیم که کوبایی‌ها نمی‌آیند...
بعد کم کم بزرگ شدیم... ما همه مان پلاکارت‌ها و هکسهای از شما و پرتوهای شادی بخش از "چه گوارا" بدست آوردیم که بالای تخت خوابمان آویزان کردیم. رمانتیسم کشور ما کافی نبود، حتی شور و شوق کامیو هم نمی‌توانست جوشش و شور و شوق ما را ارضا کند، ما دچار این کمبود بودیم، نبرد بی‌امان در رویاها و آرزوها در "سیرامیسترا" دفع حملات ضدانقلابیون در "پلیاخیرون" همراه با "چه گوارا" در میان جنگلهای انبوه بلیوی.

آفریقای جنوبی: اصلاحات به نفع سیاهپوستان

دولت دکلرک در هفته گذشته برخی از قوانینی را که برتری سفیدپوستان در جامعه آفریقای جنوبی صدمه می‌گذارد؛ غیرقانونی خواند. از این پس سیاهپوستان می‌توانند آزادانه به اماکن عمومی راه یابند.
حزب محافظه کار آفریقای جنوبی اعلام کرد در برابر اقدامات اخیر دولت دکلرک مقاومت خواهد کرد. رهبر حزب محافظه کار آندریاس تروی نیست درکنگره حزب از سفیدپوستان خواست که از کنترل ۸۷ درصد کشور که طبق قانون اساسی در اختیار آنهاست، صرف نظر نکنند. محافظه کاران تنها ۶۵ درصد آرای اقلیت سفیدپوست را در آفریقای جنوبی در اختیار دارند ضمن تاکید بر حفظ سیستم

خواهد کرد. رهبر حزب محافظه کار آندریاس تروی نیست درکنگره حزب از سفیدپوستان خواست که از کنترل ۸۷ درصد کشور که طبق قانون اساسی در اختیار آنهاست، صرف نظر نکنند. محافظه کاران تنها ۶۵ درصد آرای اقلیت سفیدپوست را در آفریقای جنوبی در اختیار دارند ضمن تاکید بر حفظ سیستم

اعلام کناره گیری

رئیس جمهور

اوکرائین

تظاهرات سیاسی و اعتصاب غذای دانشجویان در کیف، رئیس جمهور اوکرائین ویتالی ماسول را مجبور کرد که رسماً اعلام کند از قدرت کناره گیری خواهد کرد. ۲۰۰ دانشجو در شهر کیف مرکز ایالت اوکرائین در اتحاد شوروی بیش از دو هفته است که به اعتصاب غذا دست زده‌اند. در خواست اصلی دانشجویان که با پشتیبانی هزاران نفر از مردم کیف در چند روز اخیر ابعاد جدی به خود گرفت، منحل کردن پارلمان فعلی اوکرائین که در شروع سال جاری مسیحی تشکیل شده است، می‌باشد.
تظاهرکنندگان علاوه بر برکناری ماسول رئیس جمهور اوکرائین و انحلال پارلمان خواستار تسریع فرم اقتصادی، تشکیل ارتش مستقل و ملی کردن اموال حزب کمونیست شدند.

برای اشتراك نثریات "کار" و "اکتریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمربستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "کار"	یک ساله	۲۱	۴۴
بهای اشتراك	سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "اکتریت"	شش ماهه	۳۲	۳۹
	یک ساله	۶۲	۷۶
		۱۲۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO. 323 MONDAY 22.Oct.1990</p> <p>آدرس: Ruzdum POSTFACH 1810 5100AACHEN GERMANY</p>	<p>اکتریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) در خارج از کشور</p> <p>حساب بانکی: M.ABD کد بانک: NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p>
---	--